



مدیر آرمان‌گرا
درباره احمد خرم



تحریک بحران
ترامپ به دنبال چیست؟



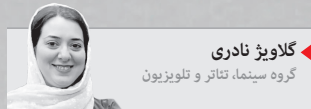
گنگسترهای اقتصاد
بررسی اقتصاد زیرزمینی ایران



عفوشدگان
مختومه‌شدن پرونده روزنامه‌نگاران

جشنواره علیه جشنواره

پایان جشنواره فیلم فجر با اعتراض و استعفا همراه شد. حتی **مصطفی زمانی** برنده بهترین نقش اول مرد جایزه خود را با حسن پورشیرازی، بازیگر فیلم توقیف شده «پیرپسر» تقسیم کرد و عوامل فیلم خدای جنگ نیز حاضر نشدند جایزه بهترین فیلم از نگاه ملی را دریافت کنند سازندگی به مراسم اختتامیه جشنواره چهل وسوم پرداخته است



چهل وسومین جشنواره فیلم فجر به پایان رسید. قرار بود این جشنواره محلی برای وفاق و آشتی باشد. چتری باشد تا دوباره اهالی سینمای را دور هم گرد آورد اما در پایان به ضد خودش بدل شد و اتفاقاتی به واسطه داوری‌ها پیش آمد که از پیش از مراسم پایانی، کام بسیاری را تلخ کرد. کار به انتشار بیانیه برای عدم حضور در مراسم کشید و پس از اختتامیه با استعفا و یادداشت‌های

تلخ همراه شد. منوچهر شاهسواری، دبیر این دوره تلاش کرد، جشنواره سینمای ایران با حضور حداکثری هنرمندان برگزار شود، رونق را به سالن‌های نمایش فیلم بازگرداند، شوروهیجان را جایگزین یأس و ناامیدی کند اما همه چیز آن‌طور که می‌خواست به پایان نرسید و تمامی تلاش‌هایش به بار نتشت. در واقع جشنواره از جایی آسیب دید که کنترلش در دست برگزارکنندگان بود و هرچند نیت‌شان در برگزاری خیر بود اما نتوانستند پایانی خوش را رقم بزنند و سرانجام کار آن‌طور که باید نشد. همیشه انتخاب هیات داوران در نامزدی و جوایز شامل انتقادات و

چالش‌های بسیاری می‌شود اما می‌توان آن را به حداقل رساند یا اینکه بر آتش این ایرادها و انتقادات دمید و آن را بیشتر کرد. علاقه‌مندان به سینما امیدوار بودند بعد از دو دوره قبل که با حضور حداقلی هنرمندان برگزار شد و نتایج آن هم قابل اعتماد نبود، این دوره که با هدف وفاق و آشتی برگزار می‌شود با سال‌های قبل متفاوت باشد و دوباره هیجان و تشویق حاضران در مراسم و همراهی آنها را با رای داوران به اختتامیه بیاورد اما امسال هم مانند دو سال پیش بیشتر گیرندگان سیم‌رغ در میانه بهت‌وحیرت حاضران و در سکوت روی صحنه رفتند و با تشویق حداقلی تماشاگران

در سالن، تدیس خود را تحویل گرفتند. چه خوب که وزرا، مدیران و معاونان در سالن از نزدیک شاهد برگزاری مراسم بودند و این نبود شوروهیجان حاضران در سالن را در اهدای جوایز به برخی از برگزیدگان دیدند و فهمیدند. این برآیند جشنواره‌ای بود که می‌توانست در پایان، مایه اختلاف و چنددستگی نشود و هنرمندان را به جای ترغیب به اعتراض و نوشتن بیانیه‌های تند به ادامه راه امیدوار کند اما دریغ و افسوس که این مهم رخ نداد و به جای بذردوستی، تخم نفاق و اختلاف دوباره کاشته شد.

ادامه در صفحه ۵



مباحثه دو روشنفکر

یادداشت کوتاه عمادالدین باقی که ترامپ را تروریست خوانده بود با واکنش بیژن عبدالکریمی روبه‌رو شد و وی پرسید: چرا روشنفکران دچار تناقض هستند؟ باقی نیز به او پاسخ داد

سازندگی: انتشار یک یادداشت کوتاه از عمادالدین باقی با واکنش بیژن عبدالکریمی، استاد دانشگاه روبه‌رو شد. باقی نوشته بود: «به عنوان کسی که در ۲۵ سال گذشته علیه راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی، دهها مقاله و مصاحبه داشتم با خواندن فرمان ترامپ، احساس توهین و تحقیر و خشم یافتم. مردک تروریست به رژیم قصاب اسرائیل بمب‌های ۲۰۰۰ پوندی می‌دهد که در برابرش مردمی بدون پدافند هستند، آن وقت از موضع متکبرانه عقل کل و فرمانده عالم فرمان می‌دهد، ایران نباید «موشک و تسلیحات متعارف» (یعنی توان دفاعی) داشته باشد! و با فشار حداکثری می‌خواهد ۹۰ میلیون نفر را به فقر و فلاکت بکشانند تا اراده جبارانه‌شان را پیش ببرد اما قطعاً کور خوانده‌اند. ما برای تغییر، نیازی به دیوانگانی چون ترامپ نداریم». دکتر بیژن عبدالکریمی در این خصوص یادداشتی را نوشت و عمادالدین باقی نیز بر یادداشت عبدالکریمی، پاسخی نگاشت.

تناقض‌های بسیاری از روشنفکران

آقای عبدالکریمی در یادداشت خود تحت عنوان «یک پرسش از عمادالدین باقی و بسیاری از روشنفکران عزیز ایران‌زمین» آورد: «آقای عمادالدین باقی عزیز! درود خداوند بر شما که یکی از دغدغه‌مندترین روشنفکران این سرزمین هستید. موضع‌گیری اخیرتان را درخصوص ترامپ جنایتکار خواندم. لذت بردم و تحسین کردم اما موضوعتان در قبال مذاکره و سیاست راهبردی نظام سیاسی کشور متناقض است. پرسش ما این است: مگر با همه کس و تحت هر شرایطی می‌توان مذاکره کرد؟ با یک قدرت قلدر و زبان نفهم و متفرعن که خواهان تسلیم مطلق و به بردگی کشیدن همه جهانیان ازجمله ملت شماست اگر شما بودید چگونه مذاکره می‌کردید؟ اگر شما جای جاستین ترو، نخست‌وزیر کانادا بودید، آیا بر سر الحاق کانادا به آمریکا بر سر میز مذاکره می‌نشستید؟ اگر شما جای خانم مته فردریکسن، نخست‌وزیر کنونی دانمارک بودید، در برابر فشار ترامپ برای تصاحب بخشی از سرزمین‌تان، یعنی جزیره گرینلند چه می‌کردید؟ بفرمایید نظام سیاسی کشور در سر میز مذاکره با آمریکا چه موضعی در برابر درخواست آمریکا برای تسلیم تمام نیروهای دفاعی کشور باید بگیرد؟ اگر شما روشنفکران به جای نمایندگان سیاسی کشور بودید، بعد از خروج ترامپ از برجام چه می‌کردید؟ اگر بنده و شما جای نظام سیاسی کشور بودیم و از آمریکا و ترامپ می‌خواستیم که بنشینیم همه اختلافات را در یک شرایط عادلانه و شرافتمندانه، براساس منافع ملی هر دو کشور حل کنیم، آنگاه آنها از ما می‌خواستند که شرط این مذاکره پذیرش خدایی آمریکا و بندگی و تسلیم مطلق ما ایرانیان است و ما را بر سر انتخاب یک دوراهی قرار می‌دادند، یعنی «یا تسلیم مطلق و بی‌قیدوشرط و تسلیم همه نیروهای دفاعی کشور یا تهدید به بمباران شدن و به خاک‌وخون کشیدن این ملت»، به راستی ما چه می‌کردیم؟ آیا شما و دیگر عزیزان روشنفکری که همچون شما پذیرش مذاکره با آمریکا را به عنوان یک اصل مطلق و لایشرط می‌پذیرند و بر آن تکیه می‌ورزند، می‌توانند این تضمین را به ملت ایران بدهند که بعد از تسلیم نیروهای دفاعی کشور، آمریکا و اسرائیل همان بلایی را سرمان نیاورند که بر سر لیبی، افغانستان، عراق، سوریه، غزه و جنوب لبنان آوردند؟ آیا شما نیز، جسارتاً و با عذرخواهی، جزو همان دسته از شبه‌روشنفکران احمق و نادانی هستید که می‌گویند، ما از آمریکا و اسرائیل می‌خواهیم که مصلای تهران را بمباران کنند اما دانشگاه تهران را نه؟! چرا بسیاری از روشنفکران ما به راستی سختی و صعوبت شرایط را در نمی‌یابند یا فقط در فضایی ذهنی و رمانتیک به دنبال آزادی و احقاق حقوق بشر و آزادی‌های مدنی هستند؟

ادامه در صفحه ۴



سال هشتم شماره ۱۹۰۷
چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳

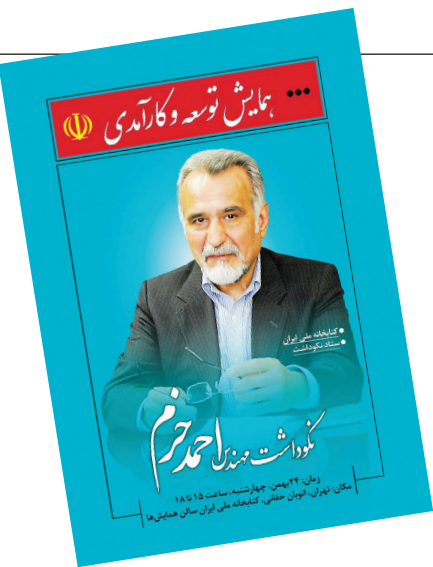
میهن

بررسی رویدادهای سیاسی ایران

مدیر آرمان گرا

بزرگداشت احمد خرم
امروز ۲۴ بهمن ماه برگزار می شود

امروز مراسم بزرگداشتی به پاس زحمات احمد خرم، وزیر اسبق راه‌ترابری در دولت اصلاحات و از چهره‌های تاثیرگذار در امور عمرانی و مهندسی کشور برگزار می‌شود. عضویت در کمیته انقلاب اسلامی بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸، عضویت در شورای فرماندهی سپاه پاسداران آذربایجان شرقی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹، دبیر شورای ستاد انقلاب فرهنگی و عضو شورای عالی نظارت بر دانشگاه‌ها از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳، عضو شورای عالی نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های کشور از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳، معاون عمرانی و معاون برنامه‌ریزی استانداری



هرمزگان و معاون سیاسی استانداری بوشهر از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵. استاندار هرمزگان، استاندار همدان، استاندار خوزستان، معاون امور عمرانی وزارت کشور، وزیر راه‌ترابری، مشاور رئیس‌جمهور از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ (تا قبل از بازنشستگی) و فعالیت در بخش خصوصی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ را از جمله سوابق مهندس احمد خرم می‌توان عنوان کرد. در این مراسم از کتاب او نیز هم‌زمان با شب تولد ایشان رونمایی شد و چهره‌های برجسته علمی و سیاسی کشور به بیان نظرات‌شان درخصوص او پرداختند.

دیدگاه

عاشق وطن

سرمایه‌ای که باید ایرانیان او را بیشتر بشناسند



محمد ستاری‌فر
رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

مهندس احمد خرم، او عاشق این مزروبوم است و سربلندی آن را همیشه در ذهن، روح و روان خود داشته و دارد. وی انجام وظایف در مقام‌های استانداری‌های خوزستان، هرمزگان، همدان و وزرات راه‌ترابری و... را برای خود افتخاری در خدمت به این مزروبوم می‌داند. باید او را پاس داشت، تکریم کرد و به خدمات او تعظیم کرد. احمد خرم، سرمایه‌ای است که باید ایرانیان او را بیشتر شناخته و پاسداشت این سرمایه انسانی گرانها را به عنوان یک ذخیره سرمایه انسانی برای رشد، توسعه و سربلندی ایران را در سر داشته باشند. براساس این تعامل همه‌جانبه بین وزارت راه و سازمان برنامه بود که اعتبارات بخش وزارت راه‌ترابری طی ۳ سال چند برابر افزایش پیدا کرد. ازجمله اعتبار فرودگاه امام از ۳ میلیارد تومان در سال فقط در نیمه دوم سال ۸۰ به بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان و در سال‌های بعد با تزریق چند صد میلیارد تومان و انجام کار عملیاتی همه‌جانبه موجب افتتاح فاز اول آن در سال ۸۳ شد. نقش مهندس خرم در این کار و افتتاح فاز اول و تلاش برای راه‌اندازی فازهای دوم و سوم بسیار ستودنی است.

دیدگاه

از سربازی تا ژنرالی

مهندس خرم، مدیری هوشمند و مساله حل کن هستند



میرظاهر موسوی
نماینده کرج در دوره ششم مجلس

پاسداشت خدمات و توانایی‌های نیروی انسانی جامعه به ویژه انسان‌های خلاق و تاثیرگذار از ضروریات و مقدمات توسعه کشور است. ازجمله امتیازات جناب مهندس خرم این است که از معدود مدیران کشور هستند که رده‌های مدیریتی را اصلاً از سربازی تا ژنرالی با اتکا به خویش و البته لطف الهی فارغ از رانت و روابط عشیره‌ای قدرت طی کرده‌اند. مهندس خرم مدیری هوشمند، اخلاقی، عملگرا و مساله حل کن هستند و نه مساله‌گوی صرف. طی دوره تصدی وزارت راه، ایشان به‌رغم اقدامات مفید و جسارت‌های ارزشمند مدیریتی، بیشترین ناسپاسی را در مجلس هفتم متحمل و کشور از وجود وزیری مقتدر محروم شد. خوشحالیم که کشور می‌تواند کماکان از افکار بلند ایشان بهره‌مند باشد. آرزوی طول عمر با عزت افزون برای مهندس خرم ارجمند دارم.

دیدگاه

قاطعیت در مدیریت

مهندس خرم روزانه کارهایشان را ثبت می کردند



غلامرضا انصاری
فعال سیاسی

بعد از مرحوم مهندس شهرستانی، وزارت راه، وزیری که توان برنامه‌ریزی، قاطعیت در مدیریت، صداقت با مردم، پاک‌دستی، بالابردن بهره‌وری، نگاه توسعه محور، توانایی، علم، تجربه کاری، داشتن پشتکار و دوری از تبلی، شایستگی و کفایت و شناخت و باور به مردم سالاری همچون مهندس احمد خرم به خود ندیده است. مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ای مردم سزاوارترین افراد به حکومت، قوی‌ترین آنان در اداره امور و داناترین آنان به فرمان خداوند متعال است» والحق مهندس خرم مصداق این جمله طلایی مولاست. جناب مهندس خرم روزانه یادداشت‌های کاریشان را ثبت می‌کردند. شایسته است که ستاد نکوداشت این یادداشت‌ها را نیز منتشر نمایند. آرزوی اینجانب سلامت و سعادت دوست عزیزم احمد خرم است تا داشته‌ها و تجربیات گرانسنگ‌شان را در اختیار نسل جدید قرار دهند.

مدیری صادق و با اصول

یکی از دستاوردهای مهم دوره کاری احمد خرم به پایان رساندن پروژه فرودگاه امام خمینی است

مدیریت بحران و بازسازی رودبار را آقای عبدالله نوری، وزیر کشور بر عهده من گذاشت و از همان ساعت‌های اولیه بعد از زلزله در منطقه مستقر شدم. بعد از حدود ۴۸ ساعت که اصلاً نخواستیم بروم و دامن از مناطق زلزله‌زده و روستاها بازدید می‌کردم از هوش رفتم و برای مدتی اصلاً متوجه چیزی نشدم تا اینکه صدای آشنایی شنیدم: «مسعود، مسعود، مسعود بلندشو». چشم‌هایم را که باز کردم یک مرتبه احمد را بالای سرم دیدم. او با وجود اینکه هرمزگان یکی از دورترین استان‌های کشور به منطقه زلزله‌زده رودبار بود، خودش را به عنوان اولین استاندار سریع برای کمک به منطقه رسانده بود. در هفته‌های بعد از وقوع زلزله هم که برنامه‌ریزی‌ها برای ستاد بازسازی شکل گرفت و قرار شد هر استانداری، مسئولیت بازسازی یک بخش و دهستان را در رودبار بر عهده بگیرد، مهندس احمد خرم بسیار پایه کار بود. در تمام ماه‌هایی که عملیات بازسازی رودبار انجام شد او تمام‌قد در خدمت مردم زلزله‌زده بود و امکانات استان را هم در جهت بازسازی بخشی که بر عهده او گذاشته شده بود بسیج کرد و بهترین عملکرد را داشت.

قرار گیرد. البته او با توجه به همین ویژگی‌هایش ممکن بود بعضی وقت‌ها تندی‌هایی هم در کار داشته باشد اما همه این به خاطر اعتقادش به راهی بود که فکر می‌کرد برای پیشرفت کشور و حل مشکلات مردم باید طی کرد. یکی از دستاوردهای مهم دوره کاری احمد خرم به پایان رساندن پروژه فرودگاه امام خمینی است، ساخت این فرودگاه بیش از دو دهه بود که به کندی پیش می‌رفت و از زمانی که احمد خرم مسئولیت وزارت راه و شهرسازی را بر عهده گرفت، برنامه‌ریزی دقیق شبانه‌روزی برای پایان دادن به این پروژه انجام داد و حتی برای فاز دوم فرودگاه هم قراردادی با یک شرکت ترکیه‌ای بست که سپاه مخالف آن بود. مهندس خرم در دوره کاری خود این موضوع را با جدیت دنبال کرد و در نهایت فرودگاه را افتتاح کرد؛ کاری که خیلی‌ها فکر نمی‌کردند آن زمان به نتیجه برسد. خاطره‌ای که من از مهندس احمد خرم هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم به سال ۱۳۶۹ و زلزله رودبار و منجیل برمی‌گردد. در زمان وقوع زلزله وحشتناک رودبار که هزاران هموطن عزیزمان را از دست دادیم، معاون طرح و برنامه وزارت کشور بودم و مسئولیت



مسعود خوانساری
رئیس سابق اتاق بازرگانی تهران

دوستی و آشنایی من و مهندس احمد خرم به دهه ۵۰ و دانشگاه تبریز برمی‌گردد. او جزو دانشجویان مبارز و انقلابی در دانشگاه تبریز بود. از مهم‌ترین ویژگی‌های احمد خرم، پابندی به اصولی است که بر آن معتقد است؛ او از اصولش به هر قیمتی دفاع می‌کند و از خواسته‌هایش کوتاه نمی‌آید. او انسانی بسیار صادق است که اصلاً اهل زدوبند و دروغ نیست و در کار بسیار جدی است. احمد اگرچه بسیار شوخ‌طبع است و خیلی وقت‌ها مسائل را با طنز بیان می‌کند ولی در کار بسیار جدی است. اگر بخواهم در یک جمله از دوستی و همکاری با مهندس خرم در طول ۴۰ و چند سال گذشته حرف بزنم، می‌گویم که او انسانی بسیار درستکار، وطن‌دوست و از مدیران صادق و پاک‌دست کشور است. یکی از مدیران منحصربه‌فرد جمهوری اسلامی که هم از نظر جسارت و هم پاک‌دستی می‌تواند به عنوان الگو مدنظر

ورود به حوزه تخصصی خود

توسعه تعمیرات هواپیماهای پهن‌پیکر

علت اصلی دوستی ما مذهبی بودن این افراد و مقید بودن آنها به آداب شرعی و مخالفت همگی آنان با نظام استبدادی شاهنشاهی بود. در دوره استبداد و اختناق، مخالفت با نظام



حسین علایی
قائم‌مقام پیشین وزیر دفاع

شاهنشاهی هزینه‌های سنگینی را در پی داشت. بسیاری از دانشجویان هم علاقه‌مند بودند که خوب درس بخوانند تا مهندسین باسواد بشوند و هم به دنبال نشان دادن نارضایتی‌شان از نظام دیکتاتوری حاکم بر ایران بود که به خواسته‌های مردم توجهی نداشت. با پیروزی انقلاب، احمد خرم هم با همکاری تعدادی دیگر از دوستان دانشجوی و افراد انقلابی شهر تبریز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز را تأسیس کردند و عضو و از مسئولان آن شدند. زمانی هم که در اوایل بهار سال ۱۳۵۹ فرمانده سپاه آذربایجان شرقی شدم، احمد خرم، ابوالحسن آل‌اسحاق و حمید سلیمی، عضو شورای فرماندهی بودند. در آن دوره، آنها برای کارآمدی و افزایش توان سپاه بسیار تلاش کردند. اما با گذشت زمان، احمد خرم به همکاری با دولت پرداخت و بیشتر در حوزه تخصصی خود وارد شد و برای چند سالی دیگر کمتر او را می‌دیدم تا اینکه او معاون استاندار بوشهر و استاندار هرمزگان شد. در آن ایام از آنجا که من هم فرمانده نیروی دریایی سپاه بودم، دوباره ارتباط کاری‌ام با ایشان بیشتر شد. در دوره‌ای هم که وزیر راه‌ترابری شد، من رئیس سازمان صنایع هوایی بودم. با همکاری ایشان توانستیم، شرکت فارسکو را جهت تعمیرات سنگین هواپیماهای پهن‌پیکر در مجموعه شرکت صنایع هواپیمایی ایران راه‌اندازی کنیم. در آن زمان احمد خرم از شرکت هما خواست تا هواپیماهای بوئینگ ۷۴۷ خود را به جای اعزام به خارج جهت انجام تعمیرات اساسی در شرکت فارسکو انجام دهد تا کشور در حوزه تعمیرات اساسی هواپیماها توسعه یابد. متأسفانه ایشان که انسانی خوش‌مشر و لطیفه‌گو و باصفاست چند سالی است که دچار یک نوع بیماری شده است. او این ایام را تبدیل به فرصتی برای افزایش مطالعات قرآنی قرار داده است.

الگوی مدیریت

پیروی جوانان از سبک خرم



حبیب‌الله بی‌طرف
وزیر پیشین نیرو

حدوداً ۴۰ سال است که مهندس احمد خرم را می‌شناسم. ایشان نزدیک به ۱۵ سال از این دوره را به عنوان استاندار در استان‌های هرمزگان، همدان و خوزستان سپس معاون عمرانی وزیر کشور خدمت کرده است. مهندس خرم به مدت ۳ سال نیز در دولت دوم جناب آقای سیدمحمد خاتمی، وزیر راه‌ترابری بوده و مابقی را در مدیریت‌های حرفه‌ای اعم از سازمان نظام مهندسی ساختمان یا شرکت‌های بخش خصوصی یا انجمن‌های تخصصی فعال در حوزه عمران و آبادانی کشور فعالیت کرده است. مهندس احمد خرم ازجمله مدیرانی است که در تمام مناصب و موقعیت‌های شغلی با تعهد، تخصص، صداقت، دانایی و تدبیر نوأم با شهامت در تصمیم‌گیری‌ها و سخت‌کوشی خدمت کرده است.

مهندس خرم به رغم بی‌مهری‌هایی که در مجلس دوره هفتم در قضیه استیضاح از وزارت راه متحمل شد، هیچ‌گاه در اراده و انگیزه‌اش برای خدمت بی‌منت به کشورش خللی وارد نشد. با وجود بیماری و مشکلات جسمی همواره مانند یک مدیر بانشاط، پرکار و خستگی‌ناپذیر کمر همت را برای توسعه و پیشرفت ایران عزیز بسته و مفتخر به انجام خدمات موثر و ماندگار در پهنه سرزمین ایران شده است. اینجانب بر این عقیده هستم که مهندس احمد خرم یک سرمایه ملی و الگوی مناسبی برای مدیران جوان کشور بوده و آنان می‌توانند با شناخت توانمندی‌ها و شایستگی‌های این مدیر خدم از آرمان‌ها و ویژگی‌های مدیریتی او پیروی کرده و موفق شوند که بیش‌ازپیش در توسعه و پیشرفت کشور سهیم باشند. از خداوند نمان سلامتی و توفیقات الهی را برای آقای مهندس خرم آرزو کرده و از دست‌اندرکاران برگزاری مراسم نکوداشت ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌نمایم.

دیدگاه: گزارش خارجی

اتحاد اوکراینی‌ها با مسکو

روسیه چگونه مواضع ترامپ در مورد روسی شدن اوکراین را تحلیل می‌کند؟

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین درباره اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه اوکراین ممکن است روزی روسی شود، گفت: این واقعیت آشکاری است که بخش بزرگی از اوکراین به دنبال اتحاد مجدد با روسیه شود یا قبلاً به کشور ما پیوسته است. وی در این باره افزود: این واقعیتی است که در صحنه و پس از عملیات ویژه نظامی تحقق یافته و آن اینکه روسیه اکنون دارای چهار منطقه جدید است.

وی ادامه داد: شهروندان این مناطق با وجود خطرات فراوان برای شرکت در همه‌پرسی برای پیوستن به روسیه در صف ایستادند؛ این موضوع از بسیاری جهات با سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مطابقت دارد. سخنگوی کرملین در مورد امکان اجرای پیشنهادهای رئیس‌جمهور آمریکا درباره اوکراین نیز اظهار کرد: هر رخدادی ۵۰ درصد شانس دارد؛ بله یا خیر. بنا بر این گزارش، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی فاکس نیز گفته بود که اوکراین ممکن است روزی روسی شود. ترامپ این موضوع را رد نکرد که او مایل است، اوکراین تمام پولی که دولت آمریکا برای حمایت از کیف هزینه کرده است را بازگرداند. رئیس‌جمهور ایالات‌متحده تصریح کرد که مایل است، معادل ۵۰۰ میلیارد دلار فلزات خاکی کمیاب اوکراینی دریافت کند. سخنگوی کرملین در پاسخ به پرسش دیگری درباره تکرار سخن پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از زبان ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گفت: این موضوع به سختی نشان‌دهنده نزدیک شدن مواضع مسکو و واشنگتن است و من چنین تصویری ندارم. وی ادامه داد: توجه مقامات آمریکایی به اظهارات مقامات روسیه برای درک موضع مسکو در مسائل جهانی برای واشنگتن مهم است؛ سخنان پوتین در سراسر جهان رصد و تحلیل می‌شود و بسیار مهم است که این کار در واشنگتن نیز انجام شود. پیش‌تر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفته بود: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با شخصیت و پشتکار خود به سرعت نظم را بازمی‌گرداند و نخبگان اروپایی دوباره سر تعظیم جلوی او فرود خواهند آورد.

پسکوف در پاسخ به این پرسش که آیا دولت جدید ایالات‌متحده آمریکا، پیشنهاد خاصی برای حل‌وفصل مسائل اوکراین ارائه کرده است، گفت: درحال حاضر مطلبی برای اضافه کردن به آنچه پیش‌تر در این باره گفته‌ام، ندارم. سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه در پاسخ به پرسش دیگری هم اظهار کرد: کرملین هیچ اطلاعاتی درباره ادعای مطرح شده در زمینه ورود استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه به روسیه ندارد؛ علاوه بر این ما هیچ‌گونه تماسی را برنامه‌ریزی نمی‌کنیم.

وی خاطر‌نشان کرد: تماس‌های بین روسیه و ایالات‌متحده از طریق کانال‌های مشخص درحال انجام است و این تماس‌ها بیشتر شده اما تاکنون هیچ رهاوردی در مورد حل‌وفصل مناقشه اوکراین نداشته است. پسکوف در بخش دیگری از نشست خبری روز سه‌شنبه خود اظهار کرد: مسکو همچنان آماده کمک به حل مناقشه بین ابروان و باکو است اما از تلاش‌های مستقل و جداگانه این دو کشور نیز استقبال خواهد کرد؛ ارمنستان و جمهوری آذربایجان درحال حاضر قادر به ادامه مذاکرات تا نهایی شدن این روند هستند. وی تأکید کرد: برای روسیه، صلح و پیش‌بینی‌پذیری در قفقاز جنوبی مهم است و این منطقه به قلمرو شکوفایی و همکاری تبدیل می‌شود. در این راستا واسیلی نینزیا، نماینده مسکو در سازمان ملل به استقرار احتمالی نیروهای حافظ صلح در اوکراین اشاره کرد و گفت که این گمانه‌زنی‌ها ناشی از «خستگی» عمومی از بحران است.

خبرگزاری تاس



داعش همچنان تهدید است

ولادیمیر ورونکوف، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور مبارزه با تروریسم: با وجود تلاش‌های مستمر کشورهای عضو، شرکای بین‌المللی و منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم، داعش به نشان دادن انعطاف‌پذیری و تطبیق شیوه‌های خود ادامه می‌دهد و زرادخانه‌های تسلیحات پیشرفته احتمال دارد که به دست تروریست‌ها بیفتد؛ چراکه داعش از منطقه «بادیه» به‌عنوان مقری برای برنامه‌ریزی عملیات خود استفاده می‌کند.

بروکسل علیه واشنگتن

اوززولا فن درلاین، رئیس کمیسیون اروپا تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات فولاد و آلومینیوم از ۱۲ مارس را محکوم کرد و هشدار داد که اتحادیه اروپا به این اقدام پاسخ خواهد داد. او گفت که عمیقاً از تصمیم ایالات‌متحده متأسفم اما این تعرفه‌های غیرموجه بر اروپا بی‌پاسخ نخواهند ماند و با اقدامات متقابل قاطع و متناسب مواجه خواهند شد.

تحریک بحران

تاکید ترامپ بر لزوم آزادی تمامی اسرای اسرائیل توسط حماس موج جدید نگرانی از ایجاد به هم‌ریختگی جدید در غزه را شکل داد

گروه بین‌الملل: پرونده تبادل اسرا میان اسرائیل و حماس ابعاد تازه‌تری پیدا کرده و حالا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده به‌گونه‌ای در این خصوص موضع‌گیری کرده که نشان می‌دهد او تمام‌قد همانند اسلاف خود به دنبال تغییر قاعده بازی به نفع اسرائیل است. بر اساس آنچه که فاکس‌نیوز منتشر کرده، ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در کاخ سفید تهدید حماس به تعلیق روند آزادسازی اسرای رژیم اسرائیل را وحشتناک خواند و اظهار کرد که همه اسرای اسرائیلی باید یکجا آزاد شوند نه اینکه حماس آنها را به صورت قطره‌چکانی آزاد کند. رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در تداوم تهدیدهای خود این بار حماس را تهدید کرد و گفت: اگر تمام اسرای اسرائیل تا ساعت ۱۲ روز شنبه آزاد نشوند، درهای جهنم گشوده خواهد شد و مطمئن هستم که اسرائیل می‌تواند بر این مساله غلبه کند.

این مواضع ترامپ پس از آن مطرح شد که حماس اعلام کرد در پی کارشکنی‌های تل‌آویو در روند تبادل، آزادی برنامه‌ریزی شده اسرا برای روز شنبه را به تأخیر می‌اندازد و این موضوع به‌نوعی باعث ایجاد تردیدهای جدید درباره دوام این آتش‌بس شکننده شده است. ترامپ ادعان کرد که ممکن است اسرائیل بخواهد، اولتیماتوم او و مهلت ظهر شنبه را نادیده بگیرد و افزود که احتمال دارد با «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل صحبت کند. او همچنین نگرانی خود را درباره سرنوشت اسرای باقی‌مانده ابراز و پیش‌بینی کرد که بسیاری از آن‌ها در صورت عدم آزادی طی روزهای آینده، زنده نخواهند ماند. ترامپ همچنین در تازفترین نشست خود در دفتر بیضی کاخ سفید از وضعیت جسمانی سه اسیر مردی که روز شنبه آزاد شده بودند، ابراز نارضایتی کرد و گفت که آن‌ها لاغر و ضعیف شده‌اند و تحت آزارهای روانی قرار گرفته‌اند!

ترامپ از سوی دیگر اعلام کرد که «بر اساس آنچه در دو روز گذشته دیدم، آن‌ها مدت زیادی زنده نخواهند ماند. شنبه ساعت ۱۲ ظهر و بعد از آن، بازی کاملاً تغییر خواهد کرد». او حتی توضیحات بیشتری در مورد ادعا و تهدید خود ارائه نکرد و گفت که «حماس متوجه خواهد شد که منظور من چیست و شنبه ساعت ۱۲ ظهر متوجه خواهند شد که چه می‌گویم». آنچه در سخنان ترامپ خودنمایی می‌کند، تأکید چند باره وی بر روز شنبه و ساعت ۱۲ ظهر است. او با برجسته کردن همین دو واژه به نوعی و بر اساس تئوری‌هایی که قبلاً هم آنها را تست کرده است، سعی دارد به هر ترتیب که شده اوضاع را حواله به صورت یک تهدید جدی به حماس مخابره کند و بگوید که اگر این روند ادامه داشته باشد، اسرائیل به‌نوعی مجبور شروع عملیات نظامی خواهد داشت.

این موضع‌گیری وی اما به سمتی پیش رفته که او حتی تهدید به قطع کمک‌های ارائه شده به اردن و مصر هم کرده است؛ به‌گونه‌ای که ترامپ به خبرنگاران در کاخ سفید گفت که می‌تواند، کمک به اردن و مصر را متوقف کند و این در صورتی است که این دو کشور آوارگان فلسطینی که او می‌خواهد از غزه نقل‌مکان کنند را نپذیرند. اگرچه مصر و اردن شرکای امنیتی دیرینه اسرائیل به حساب می‌آیند و به شدت به حمایت دفاعی و اقتصادی ایالات‌متحده متکی هستند اما در نهایت ترامپ در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا چنین اقدامی را به عنوان یک احتمال پیشنهاد می‌کند، گفت: «اگر آنها موافقت نکنند به‌طور قابل توجهی از ارائه کمک خودداری می‌کنم».

در این راستا ترامپ در جریان مصاحبه با فاکس‌نیوز گفت که بر اساس پیشنهاد او برای توسعه مجدد سرزمین‌های جنگ‌زده،

فلسطینی‌ها اجازه بازگشت به نوار غزه را نخواهند داشت اما این سخنان او در تضاد با صحبت‌های مقامات تیم ترامپ است که مدعی شدند، ساکنان غزه فقط به طور موقت جابه‌جا خواهند شد. ترامپ همچنین گفته است که فکر می‌کند، می‌تواند با اردن و مصر برای پذیرش آوارگان فلسطینی معامله کند و گفت که آمریکا سالانه «میلیاردها و میلیارد‌ها دلار» به آن دو کشور پول پرداخت می‌کند و آنها باید با او کنار بیایند!

از سوی دیگر ترامپ در پاسخ به این سوال که آیا فلسطینی‌ها حق بازگشت به غزه را خواهند داشت، گفت که «آنها این حق را نخواهند داشت زیرا خانه بسیار بهتری خواهند داشت. من در مورد ساختن یک مکان دائمی برای آنها صحبت می‌کنم».

هشدارهای جامعه ملل

اینکه تا چه حد باید سخنان ترامپ در مورد هرگونه حمله از سوی اسرائیل به غزه و مواضع حماس را جدی بگیریم، موضوعی است که صرفاً در مقابل ما کوهی از اظهارات تهدیدزا و البته ضدوقیض با محوریت غزه وجود دارد که نمی‌دانیم، قرار است در این رابطه چه اتفاقی رخ دهد اما آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد، واکنش‌های گوناگون در نظام بین‌الملل در مورد این اظهارات و تهدیدهای وی است.

در این راستا آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل (سه‌شنبه) تأکید کرد که ما باید به هر قیمتی مانع از سرگیری اقدامات خصمانه در غزه شویم؛ چراکه این امر می‌تواند به یک فاجعه بزرگ منجر شود. گوتروش همچنین گفت که هر دو طرف باید به تعهدات خود در توافق آتش‌بس کاملاً پایبند بوده و مذاکرات را به شکل جدی از سر بگیرند.

در این راستا محمد اسحاق‌دار، معاون نخست‌وزیر پاکستان و فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان در تماس تلفنی بر لزوم برگزاری نشست فوق‌العاده و فوری وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی جهت بررسی تحولات مربوط به غزه تأکید کردند.

همچنین شاهزاده ترکی الفیصل، مدیرکل سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی در نامه‌ای به دونالد ترامپ، نوشت: «مرد فلسطین مهاجران غیرقانونی نیستند که به سرزمین‌های دیگر اخراج شوند؛ بلکه زمین‌ها، زمین‌های

ادبیات جهان

پایه‌گذار وسترن مالی

پل لو سولیتزر نویسندهٔ فرانسوی درگذشت



پل لو سولیتزر، تاجر سابق و نویسندهٔ پرفروش فرانسوی در ۷۸ سالگی درگذشت.
اولیو یا سولیتزر با بیان این‌که پدرش، نویسندهٔ پرکار و خالقِ رمان‌های مهیج سیاسی– مالی، چند روز پیش پس از سقوط در بیمارستان بستری شده بود، خبر درگذشت او را بر اثر سکنه در بیمارستان اعلام کرد. این میلیاردر در طول زندگی‌اش از دههٔ ۱۹۸۰ به بعد حدود ۴۰ رمان منتشر کرد و آن‌ها را در ژانر «وسترن مالی» جای داد و ۶۰ میلیون نسخه کتاب فروخت. سولیتزر هم‌چنین با کتاب «رژیم غذایی سولیتزر» که در آن روش کاهش وزن خود را شرح داده بود، از موفقیت عمومی بی‌ظیری برخوردار بود.

پل لو کارل سولیتزر که پیش از ۱۷ سالگی به یک میلیون خودساخته بدل شده بود، از تجربیات و دانش مالی خود در کتاب‌هایش که بیشتر مربوط به دنیای تجارت بود، استفاده می‌کرد. او در ۲۱ سالگی جوان‌ترین مدیرعامل فرانسه شد و ثروت خود را با فروش وسایل (به‌ویژه جاکلیدی‌هایی که بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بسیار محبوب بودند) در بریتانیا به دست آورد. سال ۱۹۸۰ او وارد دنیای نویسندگی شد و ژانر ادبی که خودش آن را «وسترن مالی» می‌نامید به ناشران ارائه کرد. این رمان‌ها مجموعه‌ای از رمان‌های ماجراجویی مالی–تخیلی بودند که در نوشتن آن‌ها لوپ دوراند، روزنامه‌نگار و نویسنده، هم دخیل بود. کتاب «پول» در سال ۱۹۸۳ مخاطبان زیادی را جذب کرد و به دنبال آن «پول نقد» و «دارایی» که سوءاستفاده‌ها و رویاهای مالی فرانتس سیمبالی، تاجری هوشیار را به تصویر می‌کشید با موفقیت منتشر شدند. پس از آن‌ها «پادشاه سبز» منتشر شد که یک رمان عاشقانه حماسی بود و به موفقیت عمومی دست یافت و به ۳۰ زبان ترجمه شد.

«بارمن والدورف» (۱۹۸۶)، «هانا» (۱۹۸۷)، «ملکه» (جلد دوم هانا) (۱۹۸۸)، «زنی با عجله» (۱۹۸۹)، «کیت» (۱۹۹۰)، «پوپوف» (۱۹۹۰)، «جاده‌های پکن» (۱۹۹۱)، «کارتل» (۱۹۹۲)، «تانتزور» (۱۹۹۳)، «اغنیا جلد اول» (۱۹۹۳)، «برلین» (۱۹۹۴)، «کودک هفت دریا» (۱۹۹۵)، «خورشیدهای سرخ» (۱۹۹۶)، «سر شیطان» (۱۹۹۷)، «استادان زندگی» (۱۹۹۹)، «مزدور شیطان» (۱۹۹۹)، «وطنه فرشتگان» (۱۹۹۹)، «اعتراف دینا» (۱۹۹۹)، «در دایره مقدس» (۲۰۰۱)، «اوریان یا رنگ پنجم» (۲۰۰۲)، «انتقام استر» (۲۰۰۳) و «رئیس جمهوری» (۲۰۰۴) از رمان‌های این نویسنده هستند. در اوایل دههٔ نود، ۳ رمان او به صورت کمیک اقتباس شد و در ۱۲ جلد توسط ژان آنستای نوشته و توسط هنرمندان متعدد کشیده شد و بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ توسط ناشر بلژیکی دوپویس منتشر شد. این نویسنده شکست‌های متعددی را از اوایل ۲۰۰۰ تجربه کرد. او که سال ۲۰۰۴ دچار سکنه مغزی شد، طلاق پیچیده‌ای را نیز پشت سر گذاشت که با یک جنگ حقوقی پایان‌ناپذیر بر سر ثروتش با همسر سومش همراه بود و پس از آن هم در ماجرای گسترده آنگولاگیت (فروش تسلیحات به آنگولا در دههٔ ۱۹۹۰) همراه پسر فرانسوا میتران متهم و محاکمه شد. او سال ۲۰۰۹ به دلیل سوء استفاده از دارایی‌های شرکت، محکوم و در نهایت در دادگاه تجدید نظر تبرئه شد. سولیتزر سال ۲۰۱۱ در مصاحبه‌ای گفت: «۱۰ سال تحت نظارت قضایی بودم، گذرنامه‌ام را گرفتند. شغل من به عنوان یک مشاور مالی بین‌المللی بی‌اعتبار شد و دو بار به کما رفتم.»

«پوپوف» از جمله معدود کتاب‌های پل لو سولیتزر است که در دههٔ ۷۰ توسط مانهیر مینوی به فارسی ترجمه شده است. این رمان به زندگی یک بانک‌دار سوئیسی می‌پردازد.



کافه

ادامه گزارش یک

مباحثه دوروشن‌فکر

فکر نمی‌کنید همین تناقض و بازی در زمین غرب و همسویی‌ها با غرب است که زمینه‌های فشار هر چه بیشتر به کشور و ملت را فراهم می‌سازد و سبب شده است، آمریکا و اسرائیل بر روی شکاف اجتماعی ما بیش از اندازه سرمایه‌گذاری کرده، آنها را آنچنان جسور کرده است که پیوسته ما را تهدید کنند؟ به گمانم همین تناقض‌هاست که بسیاری از روشنفکران را با معضلات عظیم تاریخی روبه‌رو کرده است تا آنجا که در دهه‌های کنونی در جای درست تاریخ نایستاده و نمی‌توانند در این شرایط سخت تاریخی به کشور و به ملت محروم و رنج کشیده‌مان که تحت فشار بسیار سنگینی است، کمکی کنند و حتی خودشان براساس همین تناقض یکی از عوامل فشار حداکثری به مردم مظلوم سرزمین ایران تبدیل شده‌اند. امیدوارم این نقد به برخی از روشنفکران به معنای نادیده انگاشستن و توجیه همه خطاها و ناکارآمدی‌های نظام سیاسی کشور در حوزه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و عدم توجه‌اش به استلزامات حقیقی یک مقاومت راستین در برابر فشار حداکثری نظام سلطه تلقی نشود. سیاست‌های نادرست اقتصادی و فرهنگی حاکمیتی در برابر جامعه در کنار مواضع نادرست روشنفکران نسبت به نظام سلطه جهانی دست‌به‌دست هم داده شرایط را برای فشار حداکثری به ملت و خدای‌ناکرده خطر حمله نظامی به ایران عزیز و تحمیل دوباره یک جنگ خانمان‌سوز به ایران عزیزمان را فراهم می‌کند. بر همه آحاد ملت ایران، روشنفکران و مسئولان کشور است که درخصوص یکایک مواضع و کنش‌های سیاسی و اجتماعی‌مان بسیار بسیار هوشیار بوده، با ابتکار عمل‌هایی به جامعه برای عبور از این شرایط بحرانی یاری رسانیم.»

◀ **پاسخ باقی: مذاکره خودش یک جنگ است**

عمادالدین باقی نیز در پاسخ به عبدالکریمی نوشت: حضرت عالی جزو معدود روشنفکران بودید که در ماه‌های نسل‌کشی مردمان بی‌گناه غزه به دست صهیونیست‌ها، بدون اینکه مقهور این جو واکنشی شوید که به‌خاطر مخالفت با حکومت، وجدان‌تان را زیر پا بگذارید، دردمندانه به میدان آمدید و این جنایات را محکوم کردید و این کنششی احترام‌برانگیز بود. اکنون درخصوص نوشته کوتاه من در اعتراض به فرمان جبارانه ترامپ در یادداشتی انتقادی مرقوم فرموده‌اید: «موضع‌گیری اخیرتان را درخصوص ترامپ جنایتکار خواندم. لذت بردم و تحسین کردم. اما موضوع‌تان در قبال مذاکره و سیاست راهبردی نظام سیاسی کشور متناقض است. پرسش‌م از شما این است: مگر با همه کس و تحت هر شرایطی می‌توان مذاکره کرد؟ با یک قدرت قلدر و زبان‌نفهم و متفرعن که خواهان تسلیم مطلق و به بردگی کشیدن همه جهانیان ازجمله ملت شماس‌ست اگر شما بودید چگونه مذاکره می‌کردید؟» ضمن تشکر از نقد شما جساراً به برخی از پرسش‌هایی که درباره مذاکره مطرح کردید در زیر پاسخ می‌دهم. در این پرسش شما دو مقوله درهم‌آمیخته شده که باید از هم تفکیک کرد. اینکه آیا با یک قدرت قلدر و زبان‌نفهم و متفرعن می‌شود مذاکره کرد یا خیر؟ و اینکه آیا تحت هر شرایطی می‌توان مذاکره کرد و تن به تسلیم مطلق و به بردگی کشیده شدن داد؟ دو مقوله کاملاً متفاوت است و با ادغام کردن آنها، سوال غلط، پاسخ غلط به دنبال می‌آورد.

بنابراین دربارۀ پرسش اول که گفته می‌شود آیا با چنین شخصی باید مذاکره کرد؟ پاسخ من مثبت است. مگر گفته شده که مذاکره فقط با اولیاءالله صورت گیرد؟ همواره یکی از طرفین مذاکره، دیگری را شرور می‌داند. اساساً مذاکره با حریف جنگی و دشمن است. اگر کسی دوست و رفیق و همراه باشد که مذاکره معنا ندارد. اگر مذاکره با حریفی را به خاطر بدبختی بودنش نفی کنیم که اساساً مذاکره بلاموضوع می‌شود و باید یکی از مهم‌ترین واژگان تاریخ بشر را از ادبیات حذف کنیم. پایان مذاکره چه با دشمنان خارجی چه با مخالفان داخلی، یعنی آغاز ستیز! به همین دلیل، مذاکره با هر منطقی که بنگرید همواره بهتر از عدم مذاکره است. ادله تجربی و سیاسی و تاریخی هم آن را ثابت می‌کند. مترادف کردن مذاکره با تسلیم، آن هم تسلیم مطلق، یک مغالطه است. چه کسی و در کدام متنی گفته است، مذاکره یعنی تسلیم؟ یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های معاصر مذاکره، جنگ ویتنام است. ویت‌کنگ‌ها در طول بیش از ۱۶ سال جنگ با آمریکایی که وجب‌به‌وجب سرزمین‌شان را شخم زده بود و بیش از ۲ میلیون نفر را کشته شدند هم‌زمان با جنگ، مذاکره می‌کردند و همین مذاکره، مقدمه پایان دادن به جنگ و کشتار و پیروزی ویتنام شد. تازه‌ترین نمونه‌اش هم جنگ غزه است. حماسا به‌رغم نسل‌کشی وحشیانه توسط اسرائیلی‌ها، مذاکره کرد و در این مذاکره دستاوردهای بزرگی داشت که همه مقامات و مسئولان حکومت ایران هم این مذاکره را پیروزی دانستند و نگفتند، چرا

تازه‌های ادبیات و هنر

وقتی هنوز خون ۴۳ هزار بی‌گناه و رهبران‌تان خشک نشده است، مذاکره کردید؟ مگر اسرائیل خواهان تسلیم مطلق حماس و بلکه نابودی کامل آن نبود؟ و آن را بارها اعلام نکرد؟ ولی با آن مذاکره کردند و ثابت کردند که تسلیم‌ناپذیرند.

خود ایران هم با وجود ۸ سال جنگ در برابر تجاوز عراق دوره صدام و با وجود نزدیک به ۲۰۰ هزار شهید و شهادت عده زیادی از فرماندهان برجسته و بی‌ظیر با صدام مستقیماً مذاکره کردند و حتی رئیس‌جمهور وقت ایران در نامه‌ای او را «ریاست‌جمهوری محترم عراق جناب آقای صدام‌حسین» خطاب کرد که سبب رنجش بازماندگان جنگ شد و البته نوشتن آن نامه تصمیم کل نظام بود، ولی سرانجامش چه شد؟ مذاکره مک‌فارلین و بحران ایران‌گیت هم در زمان بنیانگذار جمهوری اسلامی رخ داد.

آقای عبدالکریمی عزیز با دیدگاه شما می‌توان گفت پذیرش نظارت اژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پذیرش تسلیم مطلق بوده است ولی می‌دانیم که ایران آن را پذیرفت و شروط خود را هم اعمال کرد. برجام نیز نمونه دیگری از مذاکره با حکومتی است که ایران آن را دشمن خود می‌داند و درست در بحبوحه مذاکرات آشکار و پنهان با آن، رهبری جمهوری اسلامی همین مواضعی را اتخاذ می‌کرد که بعد از فرمان اخیر ترامپ اعلام شد و هیچ‌گاه این مواضع تند، مانع مذاکرات نبودند.

مذاکره با دشمن و با حریف جنگی و شروران به‌عنوان یک اصل کهن بشری شناخته می‌شود؛ چنانکه وقتی بیدادگری و شرارت فرعون به اوج می‌رسد به گفته قرآن، خداوند به موسی ابتدا دستور جنگ نمی‌دهد، به او می‌گوید برود با فرعون گفت‌وگو کند: أَذْهَبَ إِلَیْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (آیه ۱۷ سوره نازعات) به سوی فرعون برو که او سخت به راه طغیان رفته است. پیامبر اسلام هم با مشرکین مذاکره می‌کند و حتی وقتی آنها شرط امضای قرارداد را حذف عنوان نبوت او قرار می‌دهند، می‌پذیرد. صدها نمونه دیگر می‌توان ذکر کرد که نشان می‌دهد چه با منطق سیاست، چه تجربه و تاریخ و چه با منطق دینی، همیشه مذاکره و صلح، برتر است.

مذاکره به معنای تسلیم یا سازش کاری و ضعف نیست. مذاکره خودش یک جنگ است بلکه سخت‌تر از جنگ، زیرا یک جنگ مغزی با نیاز به هوش و مهارت بالا برای جلوگیری و یا پایان دادن به یک جنگ جسمی است که امنیت و جان و آسایش انسان‌ها را به نابودی می‌کشد.

در همین روزها یکی از خطیبان می‌گفت، آمریکا شیطان است و با شیطان نباید مذاکره کرد. مستند عقلی و شرعی چنین مدعایی کجاست؟ از منظر دینی حتی با شیطان هم می‌توان مذاکره کرد. در قرآن کریم مشاهده می‌کنیم، خداوندی که قادر است در طرف‌العینی شیطان را نابود کند نته‌تها مذاکره می‌کند بلکه درخواست نادرست او را می‌پذیرد و مهلت می‌دهد که تا قیامت بتواند انسان‌ها را فریب بدهد و گمراه کند (سوره ص، آیات ۷۹–۸۲). کاری به مباحث کلامی و الهیاتی و فلسفه این درخواست و تجویز ندارم. دست‌کم یکی از نتایجی که می‌توان از این داستان گرفت همین است که با شیطان هم می‌توان مذاکره کرد و مذاکره به معنی به رسمیت شناختن طرف مقابل نیست. مگر در تمامی جنگ‌ها و مذاکراتی که در طول تاریخ صورت گرفته‌اند، طرفین مذاکره مشروعیت همدیگر را به رسمیت شناخته بودند؟ مگر پیامبر اسلام(ص) مشرکان را به رسمیت شناخته بود که با آنها مذاکره می‌کرد؟ مگر ویتنامی‌ها، قاتل هزاران هموطن‌شان را به رسمیت شناخته بودند که با آن مذاکره می‌کردند؟

شما در فراز دیگری از یادداشت خود آورده‌اید: «آیا شما و دیگر عزیزان روشنفکری که همچون شما پذیرش مذاکره با آمریکا را به‌عنوان یک اصل مطلق و لاینشرط می‌پذیرند و بر آن تکیه می‌ورزند»، من درباره دیگران نمی‌دانم مستند شما چیست و منظورتان چه کسانی هستند؟ اما در مورد شخص بنده از این پرسش‌تان در شگفت و کنجکاو شدم، بدنام در کجا و به استناد کدام مقاله یا مصاحبه (و حتی یک صحبت خصوصی)، مذاکره با آمریکا را به‌عنوان اصل مطلق و لاینشرط پذیرفته و بر آن تکیه کرده‌ام؟

اطمینان دارم که افترا زدن از ساحت شما به دور است و لغزش کلامی رخ داده و هیچ عاقلی چنین ادعایی نمی‌کند و اساساً مذاکره لاینشرط و مطلق همراه با تبعیت و تسلیم، دیگر مذاکره نیست. مگر تمام مذاکراتی که در تاریخ واقع شده و نمونه‌هایی را در بالا ذکر کردم که از همه آنها دفاع می‌کنم، مذاکرات مطلق و لاینشرط و ذلیلانه بوده‌اند؟ عجیب‌تر آنکه در ادامه فرموده‌اید: آیا کسانی که اصل مذاکره مطلق و لاینشرط را پذیرفته‌اند (ازجمله اشاره به بنده کرده‌اید) «می‌توانند این تضمین را به ملت ایران بدهند که بعد از تسلیم نیروهای دفاعی کشور، آمریکا و اسرائیل همان بلایی را سرمان نیاورند که بر سر

لیبی، افغانستان، عراق، سوریه، غزه و جنوب لبنان آوردند؟» و شما این اشکال و پرسش را درست در حاشیه یادداشتی مطرح کردید که من برخلاف جو حاکم بر فضای مجازی و رسانه‌های برون‌مرزی، علیه فرمان ترامپ نوشته‌ام و خود شما موضع محکم و قاطع بنده را در مقابله با فرمان محدودیت توان دفاعی ایران توسط ترامپ، تحسین کرده‌اید؛ آنگاه چطور شبهه تسلیم نیروهای دفاعی کشور را به بنده نسبت داده‌اید؟ و باز پرسش عجیب‌تر اینکه: «آیا شما نیز، جساراً و با عذرخواهی، جزو همان دسته از شبه‌روشنفکران احمق و نادانی هستید که می‌گویند ما از آمریکا و اسرائیل می‌خواهیم که مصلای تهران را بمباران کنند اما دانشگاه تهران را نه؟!» در مورد کسی که در ده‌ها کتاب و صدها مقاله و مصاحبه در چهار دهه گذشته، دیدگاه‌ها و مرزبندی‌هایش با کسانی که مورد نظر شما بوده‌اند بسیار روشن است، نفس این پرسش سبب می‌شود، خواننده مطلع چشمانش گرد شود.

مقابله ما با جباریت آمریکا و جنایات اسرائیل نباید هیچ موجب بی‌اعتبار کردن اصول عقلایی زیست بشری مانند مذاکره باشد. مذاکره عزتمندانه، شرط بقاست. بدون مذاکره، صلحی در جهان وجود نخواهد داشت. مذاکره میدان چانه‌زنی، شرط‌گذاری و امتیازگیری است. حریف، شرط می‌گذارد، شما هم به جای به هم زدن مذاکره، شرط بگذارید و به مذاکره به‌عنوان بازی برد-برد نگاه کنید، نه اینکه یک طرف را غالب و یک طرف را مغلوب بخواهید.

اصلاً فرض کنید، طرف مقابل می‌گوید: «یا این یا آن» و قصد مذاکره عزتمندانه ما را ندارد. باز هم این ما هستیم که باید به دنیا نشان بدهیم هیچ ضعیفی نداریم و با آماجگی برای مذاکره و بیان شروط منطقی خود، عقلانیت و تمایل به صلح را نشان دهیم تا اعتماد را در جهان را جلب و حریف قلدر را غیرمنطقی و جنگ‌طلب نشان داده و منزوی کنیم چون همه اینها آثار و نتایج اقتصادی سیاسی و اجتماعی برای کشور دارد. جنگ‌طلبان و ویرانی‌خواهان، برای نابودی ایران به انزوا و سیاه کردن کشور در افکار عمومی دنیا نیاز دارند و حکومت باید هم با مذاکره، به دنیا عقلانیت و هنر و قدرت نشان دهد و هم با رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر و کوتاه کردن دست نهادهایی که با ایراد اتهام و پرونده‌سازی آزار سیستماتیک ایجاد می‌کنند، دستاویزهای مورد نیاز ویرانی‌طلبان را فراهم نکند.

اکنون دو گروه علیه روند مذاکره ایران با آمریکا و غرب، سخت فعال‌اند و دسیسه می‌کنند: ۱– ویرانی‌طلبانی که منتظرند سوار بر تانک‌های آمریکایی و اسرائیلی به ایران بیایند و سوار قدرت شوند. ۲– اسرائیل، روسیه و بعضی از همسایگان که منتظر ضعیف شدن ایران هستند و هر کدام بر حسب دلایل خاص خودشان مخالف مذاکره هستند و تصور می‌کنند، تشدید تضاد ایران و آمریکا به سود آنان است. بنابراین شما هم به‌عنوان یک روشنفکر وطن‌پرست و مردم‌گرا باید از این‌سو مراقب باشید در دام این جریانات نیفتید. در فراز دیگری آورده‌اید: «فکر نمی‌کنید همین تناقض و بازی در زمین غرب و همسویی‌ها با غرب است که زمینه‌های فشار هر چه بیشتر به کشور و ملت را فراهم می‌سازد و سبب شده است آمریکا و اسرائیل بر روی شکاف اجتماعی ما بیش از اندازه سرمایه‌گذاری کرده، آنها را آنچنان جسور کرده است که پیوسته ما را تهدید؟»

دست‌کم در مورد دیدگاه‌ها و نظرات خودم متوجه نشدم تناقض در کجاست؟ آیا حمله به فرمان جبارانه ترامپ و موافق مذاکره بودن تناقض‌آلود است؟ آیا اگر کسی از حقوق بشر و مذاکره سخن بگوید، بازی در زمین غرب و همسویی با غرب است؟ اما با این عبارت شما که آمریکا و اسرائیل بر روی شکاف اجتماعی ما سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از مشاهده این وضعیت گستاخ شده‌اند و پیوسته ما را تهدید می‌کنند کاملاً ماقفم و اتفاقاً معتقدم، شکاف را نه مردم و گروه‌های فاقد قدرت بلکه صاحبان قدرت به وجود آورده‌اند و حتی از ۱۴ قرن پیش هم عقب‌تر هستند. آموزه قرآن است که اگر می‌خواهید با دشمنان بیرونی مقابله کنید شرطش این است که در میان خودتان مداراگر و مهربان باشید (فتح/ ۲۹). صاحبان اگر دیندار بودند باید به این اصل پایبند باشند، نه اینکه با دشمن بیرونی در جدال باشند و ناراضیان داخلی را به‌جای شنیدن سخن‌شان و تحمل و مدارا، زندان و محصور کنند. اگر حکومت خود را دینی می‌داند همین اصل «أَشِدَّاءُ عَلَی الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را باید رعایت می‌کرد و دست‌کم در شرایط تهدیدات سخت به خاطر همبستگی ملی هم که شده بسیاری از زندانیان و محصورین را آزاد می‌کردند، کاهش گرانی و فقر را در اولویت سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی قرار می‌دادند، بودجه نهادهای سرباری را حذف و صرف معیشت مردم می‌کردند و



سال هشتم شماره ۱۹۰۷
چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳

پیشنادهایی برای دیدن

تماشا



سانسور اختتامیه در تلویزیون

مراسم اختتامیه از شبکه خبر دو و شبکه نمایش به صورت زنده پخش شد اما تلویزیون کلیپ خاطره‌انگیز ادوار جشنواره فجر را که در آن برخی از هنرمندان سینما حضور داشتند، پخش نکرد. همچنین زمانی که نادرسادات سرکی برای دریافت سیمرخ فیلم کوتاه «دادرسی» روی صحنه آمد درباره خلأ قانونی نسبت به پرونده‌های کودک‌آزاری صحبت کرد اما حرف‌های او هم پخش نشد. اجرای زنده علی زندوکیلی هم پخش نشد.



تجلی اراده ملی در بوموسی

جایزه تجلی اراده ملی در چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، بخش‌های مختلفی مانند نیکوکاری، سلامت روان و خانواده را شامل می‌شود، جوایزی به این سه بخش تعلق می‌گیرد. اختتامیه جشنواره تجلی اراده ملی در جزیره بوموسی برگزار می‌شود. زهرا بهروزآذر، معاون زنان و خانواده از حضور این معاونت در بخش «تجلی اراده ملی» و اعطای جایزه ویژه «زنان و خانواده» خبر داد.



جایزه فناوری برای موسی و صیاد

معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور اعلام کرد: پس از بررسی‌های تخصصی صورت گرفته بر آثار به نمایش درآمده در بخش سودای سیمرخ چهل و سومین جشنواره فجر، جایزه ویژه فناوری معاونت علمی برای استفاده از فناوری هوش مصنوعی و واقعیت افزوده به گروه‌های هوش مصنوعی در دو فیلم «موسی کلیم‌الله» و «صیاد» تعلق گرفت. در این دو فیلم از تکنولوژی هوش مصنوعی بهره گرفته شده است.

ادامه تیتربک

جشنواره علیه جشنواره

اجرای مراسم اختتامیه مطابق معمول به محمدرضا شهیدی‌فر سپرده شد. مجری که می‌تواند یک مراسم را به راحتی به یاد دهد و جالب اینجاست که این مجری هر سال و با حضور هر دبیری به اجرای این مراسم می‌پردازد. هر ساله هم همان ایراد و اشکالات اجراهای سال‌های قبل را تکرار می‌کند بدون اینکه کارگردان برنامه از پس او برآید و حتی به او گوشزد کند که دست از پرحرفی بردارد و حتی بتواند هماهنگی در ضرابهنگ اجرای برنامه پدید آورد. هرچقدر که شهیدی‌فر برنامه‌ساز خوبی است، مجری بدی هست و در اجرای اختتامیه اقتدر به ابراز عقیده و نظر می‌پردازد که حداقل نیم ساعت از زمان برنامه، بیهوده صرف افاضات او می‌شود و مراسم را از نفس می‌اندازد. معلوم نیست چرا هرکس روی صحنه می‌رود باید در ابتدا با او سلام و احوالپرسی کند و بعد به سمت داوران رود؟ او چه نقشی در برگزاری داشته که پیش از داوران باید با همه خوش‌وشش کند. حتی اگر خود شاهسوار می‌هم در این جایگاه قرار می‌گرفت، اقتدر با همه به خوش‌وشش نمی‌پرداخت و از کار اصلی خود غافل نمی‌شد. سیستم صوتی سسلان در مراسم اختتامیه هم ناکارآمد بود. موسیقی مربوط به بخش جوایز که در سال‌های اخیر قطعه ثابتی بود، تغییر کرده و اقتدر با صدای پایین پخش می‌شد که نه هیچانی را در میان مخاطبان به وجود می‌آورد و نه شور و شعفی به مراسم می‌داد. معلوم نیست چرا این قطعه را هم تغییر داده بودند و اصلاً چرا باید همه چیز عوض شود؟ شهیدی‌فر اقتدر مراسم را کند و خسته‌کننده پیش برد که علی زندوکیلی که بارها در این سسلان با فروش تمامی بلیت‌های کنسرت‌اش به اجرای برنامه پرداخته، زمانی که روی صحنه آمد با سالتی مواجه شد که نصف بیشتر صندلی‌هایش خالی بود و تنها چند ردیف اول تماشاگر داشت که آنها هم از وزرا، مدیران و معاونان بودند و نمی‌توانستند صندلی خود را ترک کنند. بگذریم که هنوز برگزارکنندگان اختتامیه جشنواره فیلم فجر، خودشان هم نمی‌دانند چرا باید در میانه مراسم گروه موسیقی به اجرای برنامه بپردازد و با وجود این همه جایزه و کلیپ‌های تصویری اصلاً چه نیازی به خواننده و نوازندگان است که تلویزیون هم آن را پخش نکند و علاقه‌مندان سینما مجبور باشند این اجرا را تحمل کرده تا نوبت به اهدای جوایز اصلی برسد. هیات داوران ناچار شدند پیش از یک ساعت سر پا جوایز را اهدا کنند و جالب اینجاست که کارگردان برنامه هم هیچ تذکری برای اجرای سریع‌تر و جاندارتر به شهیدی‌فر نمی‌داد. همه چیز در کندترین و سطحی‌ترین شکل خود برگزار شد. تنها نکته مراسم پخش کلیپی خاطره‌انگیز از اختتامیه سال‌های دور و نزدیک بود که تصویر چهره‌هایی مانند بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی، بهمن فرمان‌آرا، مسعود کیمیایی، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، خسرو شکیبایی، کیانوش عیاری، فاطمه معتمدآریا، رخشان بنی‌اعتماد، پانتا بهرام، باران کوثری و ... در آن به نمایش گذاشته شد و البته این کلیپ هم روی آنتن تلویزیون نرفت. هیات داوران این دوره با انصراف بهرام رادان به‌عنوان تنها بازیگر این جمع به ۶ نفر رسید و برگزیدگان طوری انتخاب شده بودند که انگار این آرا نه با داوری و قضاوت تخصصی، بلکه با قرعه‌کشی انتخاب شدند. نتایج جوری چیده شده بود که این‌طور به نظر می‌رسید، داوران پس از به نتیجه نرسیدن درباره انتخاب‌ها به انتخاب تصادفی روی آوردند و چشم‌پسته نام فیلمی را از گوی بلورین خارج کردند. آخر چطور و بسا چه منطق و دلیلی، بهترین فیلم یعنی «زیا صدام کن» مستحق هیچ جایزه دیگری از سوی داوران نمی‌شود، پس آنها چگونه این فیلم را به‌عنوان برترین انتخاب کردند یا جایزه بهترین کارگردانی چطور به حمید زرگر نژاد برای «شمال از جنوب غربی» تعلق می‌گیرد که عوام‌لش هم به تشست و درگیری در پروسه فیلمسازی اذعان کردند و فیلم نه نظر منتقدان را جلب کرد و نه مردم را. نام زرگر نژاد در میانه سکوت و بهت تماشاگران خوانده شد و بسیاری را به تعجب و داشت. کاش داوران چند خطی درباره این انتخاب‌های حیرت‌انگیزشان توضیح می‌دادند تا حداقل مدیران و وزرای حاضر در سالن قانع می‌شدند.



در تنها بخش‌هایی که تماشاگران در سالن با رای داوران همراهی داشتند، انتخاب محمود کریمی برای کارگردانی برگزیده فیلم اول و بهترین فیلمنامه بود. کریمی زمانی که سیمرخ را در تحویل گرفت از ندیده شدن تلاش برخی از همکارانش توسط هیات داوران گله کرد. سعید خانی هم که برای دریافت سیمرخ بهترین فیلم اول برای «رها» انتخاب شد، حسایی از خجالت شهیدی‌فر درآمد و به او گفت اگر کمتر صحبت می‌کرد، مراسم اقتدر طولانی نمی‌شد و فرصت برای برگزیدگان بیشتر می‌بود. او از وزیر ارشاد خواست «قاتل وحشی» را اکران کند، چرا که هیچ فیلمی باعث انقلاب نشده است. آرای هیات داوران در بخش بازیگری در واقع ضدبازیگری بود. معلوم نیست نبود یک بازیگر در هیات داوران آنها را به چنین انتخاب‌هایی سوق داد، یا اینکه مناسبات دیگری موجب این انتخاب‌ها شد. فریا نادری از میان بازیگرانی مانند مرلا زارعی، رویا افشار، ژولیت رضاعی و ... مستحق دریافت این جایزه شناخته شد. او هم در میان سکوت و بهت تماشاگران درحالی روی صحنه رفت که هیچ‌کس او را تشویق نمی‌کرد و این سکوت نشانه خوبی برای هیات داوران، دست‌اندرکاران جشنواره و وزیر ارشاد و مدیران سازمان سینمایی بود. «موسی کلیم‌الله» هرچه که نداشت، بازی خوب زارعی را در نقش مادر موسی داشت اما داوران حتی این نقش‌آفرینی را هم کنار گذاشتند. بازی سسکوت رویا افشار را هم درحالی که دیالوگ‌هایش در «اشک هور» به زحمت به ۱۰ صفحه می‌رسد، ندیدند اما معلوم نیست، چطور بازی فریا نادری در «شوهر ستاره» نظر آنها را جلب کرد!

تنها حسن این بخش یادآوری مصطفی زمانی برگزیده نقش اول بازیگری از بازی حسن پورشیرازی در فیلم «پیر پسر» بود که او به‌صراحت گفت، اگر حسن پورشیرازی در جشنواره بود این جایزه به هیچ‌کدام ما (نامزدهای این بخش) نمی‌رسید. او سیمرخ را با این بازیگر پیش‌سکوت تقسیم کرد و از مدیران جشنواره خواست این جایزه را به‌عنوان سیمرخ مشترک ثبت کنند. نوید پورفرج درحالی دیلم افتخار بازیگر نقش اول مرد را برای «گوزن‌های اتوبان» گرفت که نه بازی‌اش اقتدر به چشم آمده بود و نه به‌یادماندنی خواهد شد. فرهاد آیش برای بازی در «موسی کلیم‌الله» سیمرخ بازیگر برتر نقش مکمل را گرفت و عنایت‌الله بخشی برای بازی در «شاه نقش» در همین بخش دیلم افتخار را با خود برد. لیندا کیانی هم تدبیس بهترین بازیگر مکمل زن را برای «۱۹۶۸» گرفت که در چند سکانس محدود بازی کرده بود و معلوم نیست داورانی که بازی کوتاه یک بازیگر را در یک فیلم لایق سیمرخ می‌دانند، چطور هنر‌نمایی دیگران را به راحتی نادیده می‌گیرند.

سیمرخ مردمی هم که پس از سه سال به جشنواره بازگردانده شده بود، تبدیل به یکی از شگفتی‌های این دوره شد. دبیر و مدیران سینمایی از این اتفاق به‌عنوان امتیاز مهمی یاد می‌کردند اما در نهایت فیلمی به‌عنوان برگزیده انتخاب شد که تا یکی دو روز قبل از اختتامیه رتبه سوم آرای تماشاگران را در اختیار داشت و معلوم نیست چطور ناگهان تبدیل به فیلم برگزیده آنها شد. اقتدر شایعه و حواشی درباره

این انتخاب به وجود آمد که حالا آن را می‌توان یکی از نقاط ضعف و پرابهام این دوره از جشنواره دانست. «پسر دلفینی ۲» هم دیگر فیلم این بخش بود. «موسی کلیم‌الله» درحالی ۵ سیمرخ را در رشته‌های فنی از آن خود کرد که دست‌اندرکاران آن با امید دریافت جوایز اصلی یا به سالن گذاشتند. محمود رضوی با سه دختر کوچک خود به این مراسم آمده بود. او همیشه برای دریافت جوایز به همراه دخترانش روی صحنه می‌رفت و بعد است زمانی که امید به دریافت تدبیس نداشته باشد، با سه فرزند خود یا به اختتامیه بگذارد. ابراهیم حاتم‌کیا هم جز آخرین افرادی بود که با سه سالن گذاشت و انگار ساعتی پیش از شروع مراسم از او خواسته بودند که به مراسم بپیاید.

منوچهر شاهسوار می‌کلپیی که درباره داوری در مراسم پخش شد، از بی‌اعتمادی مردم به جشنواره و انتخاب‌ها گفت و اینکه باید این بی‌اعتمادی ترمیم شود اما نه او و نه داورانش نتوانستند از بلندی این دیوار بی‌اعتمادی بکاهند. فیلمی مانند «خدای جنگ» که یکی از برترین آثار جشنواره به لحاظ مضمون و ساختار بود معلوم نیست با چه نیتی تنها در یک رشته نامزد شد. دست‌اندرکاران این فیلم که بهشان اعلام شده بود، سیمرخ ویژه‌ای برایشان در نظر گرفته شده پیش از مراسم قهر و انصراف خود را اعلام کردند و نوشتند: «با احترام به تصمیم هیات داوران و دبیر، فیلمی که در هیچ رشته‌ای جز جلوه‌های بصری نامزد نشده، طبعاً نمی‌تواند بهترین فیلم دبیر، یا بهترین فیلم از نگاه ملی یا عناوین دیگر باشد. این سیمرخ را هم ذیل همان تقسیم‌بندی که در جریان نامزدی آثار اتفاق افتاد، تقسیم کنید».

در نتیجه هیچ نماینده‌ای از آنها در مراسم حضور نداشت و عوامل «ناوردشت» هم به دلیلی مشابه به اختتامیه نیامدند. نتیجه انتخاب هیات داوران و دبیر جشنواره در بخش نامزدی فجر این بود که هیچ‌کس از عوامل این دو فیلم برای دریافت سیمرخ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی (جایزه سردار سلیمانی) در سالن حضور نداشتند و سیمرخ «خدای جنگ» روی صحنه اختتامیه باقی ماند. شهسوار می‌پس از اختتامیه با حضور در برنامه «هفت» اعلام کرد که اگر تغییراتی در شیوه برگزاری جشنواره فجر به وجود نیاید، حاضر نیست سال آینده دبیری جشنواره را بپذیرد و از جشن سینمای ایران به‌جای جشنواره نام برد. این‌طور که به نظر می‌رسد او امسال هم تصمیم داشته جشنی برگزار کند که به‌نوعی دوره‌می اهالی سینمای باشد و بعد هم سیمرخ‌ها را میان‌شان برای تقدیر، تقسیم کند. اما هیات داوران در تقسیم عادلانه این تدبیس‌های بلورین اقتدرها مهارت نداشت و توانست عدالت را از همان ابتدا در انتخاب نامزدها و بعد برگزیده‌ها رعایت کند و در نهایت این جشن با خوبی‌و‌خوشی و به طور دوستانه به پایان نرسید. در واقع حاصل این جشنواره، نه رضایت صاحبان فیلم‌ها را به همراه داشت و نه مردم و علاقه‌مندان به سینما را و همه اینها نشان داد که تنها نیت برای رسیدن به بهترین نتیجه کافی نیست و برای برقراری اعتماد و وفاق و دوستی باید کارهای بیشتری انجام داد.

گزارش سینمای ایران

اعتراض شدید شهاب و آبیار

شهاب حسینی و نرگس آبیار پس از اختتامیه اعتراض خود را علنی کردند

شهاب حسینی و نرگس آبیار هر یک به طور جداگانه در اعتراض به روندی که در جشنواره فیلم فجر طی شد، یادداشت‌های اعتراض‌آمیزی منتشر کردند. آبیار همچنین با این یادداشت استعفا می‌خود را از ششورای پروانه نمایش هم اعلام کرد. شهاب حسینی که در پایان مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر این یادداشت را در صفحه شخصی‌اش منتشر کرد به همراه عوامل فیلم «رها» به مراسم آمده بود و تا پایان هم در سالن حضور داشت، اما او دست خالی سالن را ترک کرد و تنها جایزه‌ای که به این فیلم تعلق گرفت، سیمرخ بلورین بهترین فیلم اول بود که سعید خانی، تهیه‌کننده این اثر آن را دریافت کرد. حسینی در یادداشت خود آورده است: «خدای دهنده عزت و گیرنده آن را بر گفته خود گواه می‌گیرم. «رها» برای بنده کوچک و گروه سازنده آن انگیزه‌ای بزرگ‌تر فراتر و عمیق‌تر از حضور در جشنواره و کسب عنوان داشت که مدت‌هاست میلی بودن آن به یقین همگان رسیده است. «رها»، حکایت همدلی همدردی و غم‌خواری ما بود با مردمی که هر روز بیش‌ازپیش زندگی خود را در رویارویی با مشکلات معیشتی و اقتصادی در محاصره حلقه تنگ فقر می‌یابند. مشکلاتی که بیش از هر چیز عزت‌نفس و غرور آنان را هدف قرار داده است. مردمی که روزبه‌روز رویاهای خود را در برخورداری از یک زندگی حتی معمولی دست‌نیافتنی‌تر می‌بینند. مردمی که در نگاه این روزهایشان حسرت گذشته، نگرانی حال و ابهام آینده موج می‌زند. «رها»، قصه غصه ما از شرایط مردمی است که این انقلاب روی دوش و بر گرده آنان به ۴۶سالگی رسیده و حال آنکه از فحوائ دل و عمق خیال آنان که جویا شوی، چنان که دست‌شان برسد، در آرزوی جلالی وطن و رفتن از این سرزمین هستند. ما را دیگر شادمانی‌های زودگذر برآمده از سلیقه‌های سطحی شما کارساز نیست. مدت‌هاست که نیست. ما به دنبال شعفیم؛ شعفی که مولود امید امیدی که در زندگی ما دیرزمانی است که به سردی گراییده و ما را در معرض بزرگ‌ترین مصیبت بشری که همانا ناامیدی از رحمت خداست قرار داده است. باز اما چشم امید ما به وعده حق خداست که فرمود: به راستی که پس از هر سختی آسانی است. آمین یا یگانه‌تها، یا یگانه آشنا».

«نرگس آبیار» نامه سرگشاده‌اش را خطاب به «راند فریدزاده»، رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد نوشته است. آبیار در نامه خود آورده است: «اینجانب نرگس آبیار با پذیرش عضویت در ششورای پروانه نمایش، امیدوار بودم که روزنه‌ای برای گشایش در فضای فرهنگی و هنری کشور ایجاد شود. باور داشتم که می‌توان در مسیر تعامل، اصلاح و بهبود شرایط، نقشی موثر ایفا کرد و گامی در راستای سیاست‌زدایی از فرهنگ برای ایران برداشت؛ اما امروز، پس از دوره‌ای کوتاه فعالیت، به این نتیجه رسیده‌ام که موانع موجود بر سر راه نمایش و تولید آثار سینمایی همچنان پابرجاست و اراده‌ای جدی برای تغییر و حمایت از سینماگران مستقل و خلاق دیده نمی‌شود. افزون بر این، به دلیل مشغله‌های کاری فراوان و حرفه‌ای، دیگر فرصتی برای پیگیری مستمر بی‌حاصل مسائل سینمایی ندارم و انگیزه‌ای برای چالش و مبارزه جهت اکران فیلم‌ها در این چارچوب محدودکننده باقی نمانده است. با توجه به اینکه فرهنگ و هنر همچنان گرفتار سیاست‌گذاری‌های محدودکننده است و امکان تاثیرگذاری واقعی در این چارچوب برای اینجانب فراهم نیست، بدین‌وسیله استعفا می‌خود را از عضویت در ششورای پروانه نمایش اعلام می‌دارم. امیدوارم که در آینده، سینمای ایران بتواند با آزادی بیشتر و نگاه حمایتگرانه‌تر، به رشد و شکوفایی واقعی دست یابد. از همراهی تمامی همکاران و زحمات ایشان در این مدت سپاسگزارم و برایشان آرزوی موفقیت دارم.

این کارگردان پیش از این به مدیران سازمان سینمایی هشدار داده بود که در صورت اکران نشدن فیلم «قاتل وحشی» در جشنواره، از عضویت در «ششورای پروانه نمایش» استعفا می‌دهد. در خبرها آمده بود، آبیار همچنین در گفت‌وگو با سایر اعضای شورا از آنها خواسته است در صورت عدم اکران این فیلم، با او همراه شده و استعفا دهند.





سال هشتم شماره ۱۹۰۷
چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

روز سقوط بورس

چرا شاخص‌ها فرو ریختند؟

مehتاب شهریاری

گروه اقتصاد

دیروز در بورس تهران غوغایی به پا شد. قیمت سهام اغلب شرکت‌ها فرو ریخت و شاخص کل هم با ریزش قابل توجه ۳۷ هزار و ۳۱۷ واحدی به سطح دو میلیون و ۷۴۸ هزار واحد رسید. این افت نشان‌دهنده یک روز خاص در بازار سهام است. دیروز همچنین شاخص هم‌وزن با کاهش ۱/۴ درصدی به سطح ۸۵۹,۹۳۷ واحد رسید که نشان‌دهنده فشار فروش در اکثر نمادها، به‌ویژه سهام کوچک‌تر، است.

دیروز شرایط به حدی حاد بود که حدود ۹۳ درصد از نمادهای بازار سرخپوش بودند، به این معنا که اکثریت قریب به اتفاق سهام با کاهش قیمت مواجه شدند. گزارش‌ها نشان داد که حجم وسیعی پول حقیقی از بازار خارج شد. برخی گزارش‌ها از خروج دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از معاملات خرد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی خبر دادند که دومین رکورد خروج پول در تاریخ بازار سهام محسوب می‌شود. باید گفت طبق روال گذشته، شاهد خروج پول حقیقی از صندوق‌های با درآمد ثابت بودیم؛ البته این خروج پول در سهام‌ها هم موجود است؛ در نهایت به نظر می‌آید، سرمایه‌گذاران به سمت صندوق‌های کالایی و طلا کوچ کرده‌اند.

اما سوال این است که چه چیزی باعث این حجم از ریزش در بازار سهام شد؟

نخستین دلیل، ارجاع استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد به کمیسیون اقتصادی مجلس بود که یکی از عوامل اصلی ایجاد ترس در بازار سهام نام گرفت. این خبر باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش فشار فروش شد. همچنین رأی تجدیدنظر شورای رقابت در زمینه شرکت کروز نیز به عنوان یک خبر منفی بر بازار تأثیر گذاشت.

بحث عدم پیشرفت در مذاکرات بین‌المللی و افزایش ریسک‌های آتی نیز به عنوان یک عامل منفی بر بازار اثر گذاشت. بازار سهام دیروز تحت تأثیر اخبار منفی سیاسی و اقتصادی به ویژه استیضاح وزیر اقتصاد و مسائل مرتبط با شورای رقابت با افت شدیدی مواجه شد. این روند نزولی با خروج سنگین پول حقیقی همراه بود. سرخ‌پوشی ۹۳ درصد از نمادها نشان‌دهنده فشار فروش گسترده و نبود تقاضای کافی در بازار بود. ترس و نگرانی سرمایه‌گذاران به ویژه سرمایه‌گذاران خرد، در واکنش به اخبار منفی باعث شد که رفتار گله‌ای در بازار غالب شود.

ناظران معتقدند با توجه به شرایط فعلی، احتمال ادامه روند نزولی در روزهای آینده وجود دارد، مگر اینکه اخبار مثبت (مانند حمایت دولت یا بهبود شرایط سیاسی) منتشر شود.

برخی تحلیل‌گران معتقدند که بورس در حال طی کردن اصلاح طبیعی قیمتی و زمانی است و پس از این دوره می‌تواند وارد موج صعودی قوی شود. با این حال تصمیم‌های اشتباه (مانند دامنه نوسان محدود) ممکن است این اصلاح را طولانی‌تر کند. این افراد توصیه می‌کنند که سرمایه‌گذاران با تحلیل دقیق و توجه به اخبار و گزارش‌های مالی شرکت‌ها تصمیم‌گیری کنند. در شرایط فعلی، پرهیز از رفتارهای هیجانی و تمرکز بر سهام بنیادی می‌تواند منطقی باشد.

بازار سهام دیروز متاثر از عرضه‌های روز گذشته فروشنندگان در روز گذشته با هجوم بیشتر فروشنندگان در قیمت‌های منفی آغاز کرد و حتی سهامی که در روزهای گذشته با صف‌های خرید خوبی همراه بود، عرضه و متعادل شدند. ناظران می‌گویند، عدم تعادل سهام و صف فروش سهام‌هایی که متعادل شده‌اند در روزهای بعدی نشان می‌دهد بازار خارج از رویه‌های تحلیل و بنیادی در کوتاه‌مدت تصمیم‌گیری می‌کند و تنها توانسته به علت خلق بازدهی، جریان نقدینگی را به خود جذب کند. فارغ از سهام‌بنیادی که در صورت اصلاح قیمت مجدداً می‌توانند به سطوح ارزندگی برگردند، سهام عادی بازار با به اصطلاح سهام ریالی نتوانست متناسب با بازار نقدینگی جذب کند و اکثر به قیمت‌های قبلی در حال نزدیک شدن هستند. در صورت عدم خروج نقدینگی فروشنندگان در روزهای آتی و عدم افت ارزش معاملات می‌توانیم به مرحله بعدی رشد، امپلوار باشیم؛ کماکان به افراد حقیقی توصیه می‌شود از طریق صندوق‌ها در بازار حضور داشته باشند. در مجموع، بازار سرمایه همچنان در حال ارزیابی شرایط کلی اقتصادی است و تحلیل‌گران معتقدند که اتخاذ رویکردی محتاطانه و نگاه بلندمدت می‌تواند در این شرایط، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

توسعه

تحلیل تحولات اقتصادی

۱

میلیون قطعه

پیش فروش سکه

بانک مرکزی اعلام کرد در راستای اطمینان‌بخشی به جامعه در جهت مدیریت نوسانات در بازار طلا از هفته آینده پیش‌فروش یک میلیون قطعه سکه طلای بهار آزادی در تمام قطعات آغاز می‌شود. با تمهیدات بانک مرکزی در راستای اطمینان‌بخشی به جامعه برای مدیریت نوسانات در بازار طلا از هفته آینده پیش‌فروش یک میلیون قطعه سکه طلای بهار آزادی در تمام قطعات آغاز می‌شود.

۸۹

هزار تومان

قیمت تتر

بازار طلا، سکه و ارز معاملات روز سه‌شنبه را در حالی آغاز و سپری کرد که پس از یک روز تعطیلی، معامله‌گران شاهد سقوط آزاد قیمت‌ها نسبت به ابتدای هفته بودند. تتر با عقب‌گرد محسوس به محدوده ۸۹ هزار تومان، ابتدا قیمت دلار سپس قیمت طلا و سکه را به مسیر نزولی هدایت کرد. همچنین معامله‌گران، حضور قدرتمند بازارساز در جریان معاملات دیروز را یکی از عوامل موثر بر کاهش قیمت‌ها توصیف کردند.

گنگسترهای اقتصاد

بررسی اقتصاد پنهان و زیرزمینی ایران و پولشویی در آن

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

مدام یکدیگر را تهدید می‌کنند، اسلحه و قمه به هم نشان می‌دهند، فحش و بد و بیراه می‌گویند و قرار دعوا می‌گذارند. این یکی «چاقوی دسته سفید کار زنجان» نشان می‌دهد و آن یکی «قداره دسته چوبی تیغه فتری» رو می‌کشد و آن یکی هم با اسلحه کلاشینکف سراغ رقابیش می‌رود. صورت‌های خونی، دست‌های شکسته، جرمه‌های خرد شده و ساق‌های تیرخورده، تصویرهای تکان‌دهنده‌ای است که این روزها در اینستاگرام هزاران بار دیده می‌شود و خلاصه شبکه‌های اجتماعی پر است از تهدیدها و خشونت‌های لات‌ها. چرا هر روز اخبار پر از خشونت‌لات‌ها در افکار عمومی مطرح می‌شود؟ مردم از خود می‌پرسند این همه خشونت برای چیست؟ آیا دعوای خونین، فقط برای نشان دادن قدرت بیشتر است؟ آیا پای مسائل ناموسی در میان است؟ آیا لات‌ها فقط وقتی توهین می‌بینند، قرار دعوا می‌گذارند؟ چرا این همه قمه و قداره در کشور تولید می‌شود؟ افراد کمی سعی کرده‌اند به این پرسش‌ها پاسخ دهند. دست‌کم کسی ریشه خشونت میان لات‌ها را از منظر انگیزه‌های اقتصادی بررسی نکرده است. لات‌ها به عنوان افرادی که معمولاً در فرهنگ محله‌ای ایران شناخته می‌شوند و گاهی رفتارهای خشن و قانون‌شکنانه از خود نشان می‌دهند، ممکن است تحت تأثیر انگیزه‌های اقتصادی به خشونت روی آورند. در گذشته، ریشه‌های خشونت میان لات‌ها ترکیبی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی بود. مثلاً خشونت گاهی به عنوان راهی برای کسب قدرت، احترام یا منابع در میان این گروه‌ها استفاده می‌شد. یا اینکه لات‌ها نقش غیررسمی در حفظ امنیت و نظم محله‌ای که زندگی می‌کردند، داشتند. بنابراین رقابت بر سر قلمرو و نفوذ در محله‌ها یکی از دلایل اصلی خشونت میان لات‌ها بود. این رقابت‌ها می‌توانست به نزاع‌های فیزیکی و حتی قتل منجر شود. این نقش گاهی به درگیری با گروه‌های رقیب از محله‌های دیگر منجر می‌شد. همچنین فقر، بیکاری و نبود فرصت‌های برابر می‌توانست به خشم و پرخاشگری لات‌ها منجر شود. اما در دنیای جدید، محله‌ها از بین رفته و شهرها چهره جدیدی به خود گرفته‌اند. پس چه چیزی باعث تشدید خشونت میان لات‌ها می‌شود؟

به نظر می‌رسد پیشران جدید خشونت، تعیین قلمرو برای به دست آوردن منافع اقتصادی است. به نظر می‌رسد گنده لات‌ها اغلب برای تعیین قلمرو می‌جنگند؛ قلمرو برای آن‌ها حیاتی است. بعضی از آن‌ها نیز می‌جنگند تا از بازار زیرزمینی یا تولید غیرقانونی دفاع کنند. با ورود مدرنیته و تغییر چهره شهرها، لات‌ها نیز به فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی جدید مانند فروش مواد مخدر روی آورده‌اند. این تغییر باعث افزایش خشونت میان گروه‌ها شده زیرا رقابت برای کنترل بازارهای جدید شدت گرفته است. به این ترتیب لات‌ها ممکن است برای کنترل منابع اقتصادی در محله خود مانند بازارهای غیرقانونی (فروش مواد مخدر، قمار یا اخاذی) با یکدیگر رقابت کنند. این رقابت می‌تواند به درگیری‌های خشونت‌آمیز منجر شود زیرا هر گروه سعی دارد، قلمرو خود را حفظ یا گسترش دهد. در محیط‌هایی که منابع محدود هستند، لات‌ها ممکن است از خشونت برای حذف رقیب و تسلط بر بازارهای محلی استفاده کنند. برای مثال، اگر یک گروه بخواهد انحصار فروش مواد مخدر در محله را به دست آورد، ممکن است به گروه‌های رقیب حمله کند. همچنین اگر گروهی از لات‌ها احساس کند که منافع اقتصادی‌شان مانند درآمد حاصل از اخاذی یا فروش کالاهای غیرقانونی تهدید شده، ممکن است از خشونت برای دفاع از این منافع استفاده کند.

آیا لات‌ها پلیس‌های اقتصاد زیرزمینی هستند؟

اقتصاد زیرزمینی

اقتصاد زیرزمینی به فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی و پنهان اشاره دارد که خارج از چارچوب قوانین رسمی انجام می‌شوند. این بخش از اقتصاد معمولاً با جرم و جنایت مرتبط است و می‌تواند تأثیرات منفی بر اقتصاد داشته باشد. در ایران، تحریم‌ها، فساد و ناکارآمدی نظارتی به گسترش اقتصاد زیرزمینی کمک کرده است. «اقتصاد زیرزمینی» با «اقتصاد غیررسمی» تفاوت دارد. اقتصاد غیررسمی شامل فعالیت‌های قانونی اما ثبت نشده (مانند دستفروشی یا کسب‌وکارهای کوچک خانگی) است درحالی که اقتصاد زیرزمینی معمولاً با فعالیت‌های غیرقانونی مرتبط است. این فعالیت‌ها معمولاً در سایه انجام می‌شوند و اطلاعات دقیقی درباره حجم یا ارزش آن‌ها در دسترس نیست. بسیاری از فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی (مانند قاچاق یا پولشویی) با جرم و جنایت‌های سازمان‌یافته مرتبط هستند که در ذات آنها پنهان‌کاری وجود دارد. فعالیت‌هایی مثل انتقال پول‌های غیرقانونی از طریق کانال‌های پنهان یا قاچاق مواد مخدر یا تولید مواد مخدر صنعتی و مشروبات الکلی از مصادیق فعالیت‌های زیرزمینی به حساب می‌آیند. در کشورهای مثل ایران که قوانین سخت برای منع مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی تدوین شده، یا کشورهایی که فساد سیاسی و اقتصادی در آنها رواج دارد، یا کشورهایی که رفتار تحریم‌های اقتصادی شده‌اند، اقتصاد زیرزمینی به شدت رایج است. ایران به معنای واقعی بهشت فعالیت‌های زیرزمینی است و روسیه هم به خاطر تحریم‌ها، شرایط مشابه ایران دارد. در اغلب کشورها، قاچاق سوخت و سیگار و مواد مخدر رواج دارد اما در ایران حتی تأمین لوازم خانگی هم به فعالیت قاچاقچیان بستگی دارد. بر اساس برخی برآوردها، اقتصاد زیرزمینی در کشور ما ممکن است بین ۲۰ تا ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل شود، اگرچه این اعداد دقیق نیستند و به دلیل ماهیت پنهان این فعالیت‌ها، تخمین آن‌ها دشوار است.

نقش لات‌ها در اقتصاد زیرزمینی

در اقتصاد زیرزمینی که شامل فعالیت‌های غیرقانونی و پنهان مانند قاچاق، پولشویی یا تجارت مواد مخدر است، لات‌ها ممکن است نقش «نظارت غیررسمی» یا «حفاظت» را ایفا کنند. برای مثال، آن‌ها ممکن است از گروه‌های فعال در این اقتصاد مانند قاچاقچیان یا تولیدکنندگان مواد مخدر صنعتی یا تولیدکنندگان مشروبات الکلی، «حق حفاظت» بگیرند و در عوض از آن‌ها در برابر تهدیدهای موجود محافظت کنند. این نقش ممکن است، شبیه به «نظارت» یا «حفاظت» در دنیای واقعی باشد که عمدتاً توسط نیروهای انتظامی و پلیس صورت می‌گیرد. اما سوال این است که چرا لات‌ها به این نقش کشیده می‌شوند؟

در مناطقی که حضور نهادهای رسمی کم‌رنگ است یا در شرایطی که اقتصاد زیرزمینی گسترده است، لات‌ها ممکن است همان نقشی را بر عهده گیرند که پلیس در اقتصاد رسمی بر عهده می‌گیرد؛ یعنی تأمین‌کننده امنیت. این نقش معمولاً به دلیل خلأ قدرت یا ضعف نهادهای رسمی ایجاد می‌شود. مثلاً در برخی محله‌ها، لات‌ها کنترل فعالیت‌های غیرقانونی را در دست می‌گیرند و از این طریق درآمد کسب می‌کنند. در برخی موارد، لات‌های سازمان‌یافته ممکن است به عنوان «مجریان غیررسمی» برای گروه‌های قدرتمند مانند باندهای قاچاق یا حتی برخی احزاب و نهادهای سیاسی عمل کنند. نزدیکی لات‌ها به قدرت و ثروت معمولاً نتایج هولناکی به دنبال دارد و منجر به جرائم سازمان‌یافته مثل قاچاق، پولشویی، قمار، تجارت انسان و مواد مخدر می‌شود. حضور لات‌ها در اقتصاد زیرزمینی نشان‌دهنده ضعف نهادهای رسمی و ناکارآمدی نظام نظارتی

۲۴

میلیون تومان

قیمت سکه

بازار طلا و سکه هم در روز سه‌شنبه با روندی نامتوازن آغاز به کار کرد و قیمت طلا تحت تأثیر افت دلار وارد فاز کاهشی شد و در مسیر نزولی قرار گرفت. قیمت سکه امامی هم معاملات دیروز را با فاصله ۷۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان آغاز کرد و ابتدا با افزایش تا ناحیه ۷۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بالا رفت اما سپس با تغییر روند نزولی تا ۷۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پایین آمد.

است. در ایران، عواملی مانند تحریم‌ها، فساد و نابرابری اقتصادی به گسترش اقتصاد زیرزمینی و نقش‌آفرینی لات‌ها در آن کمک کرده است. با این حال این نقش معمولاً با خشونت، بی‌نظمی و تضعیف امنیت اجتماعی همراه است.

نتیجه‌گیری

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سهمی ۳۰ تا ۳۵ درصدی برای اقتصاد زیرزمینی ایران قائل است. معنی ساده‌اش این است که در همین حدود، فعالیت اقتصادی غیرقانونی در کشور ما رایج است که دور از چشم نهادهای انتظامی شکل گرفته است. فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی جایی ثبت و ضبط نمی‌شود اما در این اقتصاد هم مشابه اقتصاد رسمی، بازار وجود دارد، پول جابه‌جا می‌شود، تولید صورت می‌گیرد، کالا صادر می‌شود و چک برگشت می‌خورد. به این ترتیب افرادی باید نقش پلیس را بر عهده گیرند تا امنیت را تأمین کنند. افرادی هم کار نقد کردن چک و دریافت مطالبات را بر عهده می‌گیرند که آنها را به عنوان «شرخر» هم می‌شناسیم. افرادی هم متخصص تولید هستند که در آشپزخانه‌ها و آزمایشگاه‌های مواد مخدر و مشروبات الکلی فعالیت می‌کنند و افرادی هم هستند که کار تجارت غیرقانونی و توزیع را انجام می‌دهند. از منظر انگیزه‌های اقتصادی، خشونت میان لات‌ها ریشه در فقر، رقابت بر سر منابع محدود، نیاز به کسب قدرت و نفوذ اقتصادی و مشارکت در اقتصاد زیرزمینی دارد. لات‌ها ممکن است از خشونت به عنوان ابزاری برای کسب درآمد، دفاع از منافع اقتصادی یا حذف رقیب استفاده کنند. این انگیزه‌ها اغلب در بستر نابرابری اقتصادی، بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی تقویت می‌شوند. لات‌ها به دلایلی که اشاره شد، یکی از گروه‌های تأمین‌کننده امنیت در اقتصاد زیرزمینی هستند که بعضاً رقیب گنگسترها نیز به شمار می‌روند. لات‌ها معمولاً به صورت فردی یا در گروه‌های کوچک و غیررسمی فعالیت می‌کنند و ساختار سازمان‌یافته مانند مافیای ندارند اما گنگسترها معمولاً بخشی از سازمان‌های تبهکاری بزرگ و سلسله مراتبی به شمار می‌روند که دارای ساختارهای پیچیده، تقسیم کار و قوانین داخلی هستند. در ایران معمولاً استفاده از گنگستر برای گروه‌های تبهکاری مرسوم نیست اما چون به عنوان دیگری معروف نیستند و ویژگی‌های مشابه با گنگسترهای آمریکایی و ایتالیایی دارند به همین عنوان خطابشان می‌کنیم. به هر حال دنیای لات‌ها و گنگسترها بسیار پیچیده و مکتوم است. این پیچیدگی و پنهان‌کاری نتیجه ترکیبی از ساختارهای غیررسمی، فعالیت‌های غیرقانونی و تعاملات پنهانی این گروه‌ها با جامعه و نهادهای قدرت است. چنانکه شرح داده شد، لات‌ها و گنگسترها معمولاً در فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر، اسلحه، اخاذی، قمار یا قتل‌های هدفمند شرکت دارند. این فعالیت‌ها به‌طور طبیعی نیاز به پنهان‌کاری دارند تا از دستگیری یا تعقیب قانونی جلوگیری شود. افشای فعالیت‌های هر دو گروه می‌تواند به دستگیری، زندان یا حتی اعدام آنها منجر شود. این ترس باعث می‌شود که آن‌ها اطلاعات خود را مخفی نگه دارند و از ارتباطات شفاف اجتناب کنند. ضمن اینکه در دنیای لات‌ها و گنگسترها، وفاداری به گروه ارزش است. این وفاداری باعث می‌شود که اعضا اطلاعات حساس را با افراد خارج از گروه به اشتراک نگذارند. به هر حال دنیای لات‌ها و گنگسترها به دلیل ماهیت غیرقانونی فعالیت‌ها، نیاز به پنهان‌کاری، ساختارهای پیچیده، فرهنگ وفاداری و تعاملات پنهانی با جامعه و نهادهای قدرت بسیار پیچیده و مکتوم است. این گروه‌ها از خشونت، فساد و آیین‌های خاص برای حفظ جایگاه و فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند و به همین دلیل درک کامل دنیای آن‌ها برای افراد خارج از گروه دشوار است.



کاهش نرخ ترک تحصیل!

مصطفی آذرکیش، معاون آموزش متوسطه وزارت آپ گفت: در کنکور، سوابق تحصیلی سهم ۶۰درصدی دارد؛ ۴۰ درصد برای پایه دوازدهم و ۲۰ درصد برای پایه یازدهم است. امتحانات نهایی از پایه دهم حذف شده است اما اینکه از چه سالی، در شورای عالی آموزش و پرورش تصمیم گیری می شود. امسال شاهد کاهش ۴۷صدم درصدی نرخ ترک تحصیل نسبت به سال قبل که بین ۵.۲۵ تا ۵.۳۵ درصد بود، بودیم.

عفو شدگان

سه روزنامه نگار در میان ۳ هزار عفو شده، پرونده شان مختومه شد

فرد نیز آموزش دیده ی دوره های رژیم مافیایی آمریکا در کشورهای خارجی است؛ ضمن آنکه هر دو نفر نقش منابع اولیه خبرسازی برای رسانه های بیگانه را ایفا کرده اند». هرچند بعدها این دو روزنامه نگار از اتهام ارتباط با دولت متخاصم آمریکا تبرئه شدند و دو مرتبه مورد عفو رهبری قرار گرفتند.

◀ عفو سعیده و مرخصی محمودیان

هفته گذشته اعلام شد که به مناسبت ۲۲ بهمن ماه، به دستور رهبری؛ ۳ هزار و ۱۲۶ نفر از محکومان محاکم عمومی انقلاب،



مشمول عفو شدند. علی مظفری، معاون قضایی قوه قضائیه درباره جزئیات این عفو گفته که «پرونده این افراد ابتدا در کمیسیون های عفو مراکز استان ها بررسی می شود و در نهایت با ارسال به کمیسیون مرکزی و بررسی هفتگی به این تقاضاها در معاونت قضایی قوه قضائیه، لیست واجدین شرایط عفو با تایید، امضا و پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی مورد موافقت رهبر معظم انقلاب قرار می گیرد». معاون قضایی قوه قضائیه اعلام کرد: در سال جاری نیز به مناسبت ۲۲ بهمن ماه، سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ۳ هزار و ۱۲۶ نفر از محکومان واجد شرایط محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی، مشمول عفو شدند.

مظفری تاکید کرده که «از این تعداد، ۲ هزار و ۹۱۷ نفر مربوط به محکومان دادگاه های عمومی و انقلاب، ۴۰ نفر مربوط به سازمان قضایی نیروهای مسلح و ۱۶۸ نفر نیز مربوط به سازمان تعزیرات حکومتی هستند. از تعداد معفونین اعلام شده، یک هزار و ۳۵۴ نفر به طور کامل آزاد شده و پرونده آنان بایگانی می شود و تعداد یک هزار و ۷۷۲ نفر نیز با تبدیل و تخفیف در مجازات از شرایط عفو بهره مند می شوند». اما نیلوفر حامدی و الهه محمدی تنها

گروه اجتماعی: الهه محمدی و نیلوفر حامدی عفو شدند، این خبری بود که مرکز رسانه قوه قضائیه منتشر کرد. در این خبر آمده که «تابستان سال جاری بود که «الهه محمدی» و «نیلوفر حامدی» دو محکوم امنیتی با نوشتن نامه ای به رئیس قوه قضائیه نسبت به اقدامات خود در سال های پیش از دستگیری ابراز ندامت و تقاضای عفو و بخشودگی کردند».

همچنین اضافه شده که «نیلوفر حامدی» و «الهه محمدی» در نامه ای به رئیس قوه قضائیه ضمن ابراز ندامت از رفتار گذشته خود متعهد شده اند مانند زمان پس از آزادی موقت از زندان (ماه های گذشته) هیچ رفتار خلاف قانونی مرتکب نشده و نسبت به اقدامات شان در سال های گذشته که منجر به صدور حکم محکومیت برای آنان شد نیز ابراز پشیمانی کردند».

در ادامه آمده که «پس از موافقت رئیس قوه قضائیه با ارجاع پرونده این ۲ نفر به کمیسیون عفو و بخشودگی، مراتب در دادگستری استان تهران پیگیری و پرونده یاد شده در کمیسیون عفو استانی بررسی شد. سپس این پرونده با نظر موافق به کمیسیون عفو مرکزی ارسال و در این کمیسیون در نوبت رسیدگی قرار گرفت و در نهایت با نظر موافق این کمیسیون نام محکومان مورد اشاره در

فهرست پیشنهادی عفو ۲۲ بهمن قرار گرفت و با موافقت رهبر معظم انقلاب با فهرست پیشنهادی رئیس قوه قضائیه، این افراد نیز مشمول عفو قرار گرفتند».

نیلوفر حامدی صبح ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ و یک هفته پس از آن الهه محمدی هم بازداشت شد. در آبان ۱۴۰۱ وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در بیانیه ای درباره نقش الهه محمدی و نیلوفر حامدی (با ذکر حروف اول نام شان) در جریان اعتراضات سال گذشته اعلام کرده بود که «رد اطلاعاتی و عملیاتی تعدادی از عناصر در اغتشاشات اخیر و پیش از آن نیز مشاهده و حسب مورد اقدام مقتضی به عمل آمده است. به عنوان مثال، انتشار اولین عکس از مرحومه امینی روی تخت بیمارستان توسط «ن. ح.» صورت گرفت که از آموزش دیدگان همین دوره ها در خارج از کشور بود. او با استفاده از پوشش خبرنگاری از اولین افرادی بود که در بیمارستان حضور و استقرار یافته، به تحریک بستگان متوفی و ارسال اخبار جهت دار پرداخت. همچنین است اقدامات «الف.م.» که با استفاده از همان پوشش با حضور فوری در شهرستان سقز، به تحریک اطرافیان مرحومه، کارگردانی برخی صحنه ها و انعکاس اخبار و تصاویر جهت دار از مراسم تشییع، تدفین و تجمعات شکل گرفته در آن شهر به ایفای مأموریت پرداخت. این



شفاف سازی درباره یک مصوبه

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران گفت: فرمانداری به میزان افزایش و همچنین ورود خودروهای پلاک شهرستان ایراد گرفته و آن را دارای مغایرت قانونی دانسته است. ما پیش از این هم تاکید کردیم که این عوارض به محدوده مرکزی شهر مربوط است. حتی صداسوسیما هم اشتباه برداشت کرده بود و برداشت اینگونه بود که خودروهای پلاک شهرستان برای ورود به تهران باید عوارض بپردازند.

عفو شدگان این دوره از عفو رهبری نبودند. سعیده شفیعی دیگر روزنامه نگار هم به تازگی از زندان آزاد شده است. سعیده شفیعی دوشنبه ۹ مرداد توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، به اتهام «اجتماع و تبانی» به سه سال و هفت ماه حبس و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۸ ماه زندان محکوم شده بود که او هم مورد عفو رهبری قرار گرفته، پرونده اش مختومه و راهی خانه شد.

همچنین مهدی محمودیان که درحال سپری کردن دوران محکومیت خود در زندان بود با موافقت مقام قضایی و برای انجام مراحل درمانی به مدت ۵ روز به مرخصی استعلاجی اعزام شد.

مهدی محمودیان روز دوشنبه ۱۵ بهمن برای اجرای حکم هشت ماه حبس به زندان اوین منتقل شد.

مصطفی نبلی، حقوق دان و وکیل دادگستری در توضیح جرایمی به زندان رفته محمودیان به رسانه ها گفته بود که «تشکیل پرونده موکلم به زمان نامه ضیا نبوی، مبنی بر وجود ساس در زندان برمی گردد. پیرو این نامه بود که خبرگزاری میزان، وجود ساس در این زندان را به نقل از یک منبع آگاه تکذیب کرد. پس از این، مهدی محمودیان در اعتراض به این تکذیبیه دو توثیت داشت و به همین دلیل نیز بابت عنوان اتهامی نشر اکاذیب به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شد. پس از آن نیز، البته اتهام

فعالیت تبلیغی علیه نظام نیز به موکلم تفهیم شد». او توضیح داده که «البته باید بگویم که خود ضیا نبوی، بابت اتهام نشر اکاذیب به دلیل نگارش نامه دال بر وجود ساس در زندان اوین تبرئه شد. در همان دادسرا برای مهدی محمودیان از بابت اتهام نشر اکاذیب، قرار منع تعقیب صادر کردند اما بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام، کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارجاع شد. قاضی افشاری، ریاست این شعبه ۸ ماه حکم حبس برای موکلم صادر کرد. سپس پرونده به شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر ارجاع شد و این دادگاه نیز، رای صادره پیشین را عیناً تایید کرد».

او به زمان اجرای حکم اشاره کرده و می گوید: «هفته گذشته، اجرای احکام موکم را احضار کرد و با هم به این دادسرای فرهنگ و رسانه مراجعه کردیم. در این دادسرا، صحبت کرده و مهلت یک ماهه ای برای انجام امور شخصی موکلم گرفتیم و با این درخواست موافقت شد. اما، امروز صبح بود که از دادسرا زنگ زدند و گفتند که اصلاً همین امروز باید مراجعه کنید. در پی این مراجعه هم، حکم موکلم از بابت حبس ۸ ماهه اجرا شد و او را به زندان معرفی کردند. اما در نهایت چند روز بعد او به مرخصی استعلاجی آمد!»

آغاز فروش آیفون ۱۶ پرومکس در فروشگاه آنلاین همراه اول

فناوری های نوین و آخرین نسل تکنولوژی ارتباطی در کشور (۵G)، این محصول را در فروشگاه آنلاین خود با بیمه رایگان سرعت گوشی موبایل، یک سیم کارت و ۲۰ گیگابایت اینترنت هدیه به خریداران عرضه می کند. متقاضیانی که به دنبال راه خرید آسان و آیین هستند، می توانند با مراجعه به فروشگاه آنلاین همراه اول، قیمت و جزئیات بیشتر این محصول را مشاهده کرده و خرید خود را انجام دهند. همراه اول به عنوان نخستین و بزرگترین اپراتور تلفن همراه کشور در راستای رفاه حال مشتریان خود، با موجود کردن آخرین نسخه گوشی آیفون، امیدوار است همراه لحظه های دیجیتال کاربران کشورمان همسو با جدیدترین نوآوری های جهان باشد.



مرگ کولبر

ریش بهمن در مسیر منتهی به گردنه تنه هورامان (حوالی پاسگاه ژالانه)، واقع در شهرستان سروآباد استان کردستان منجر به جان باختن یک کولبر شد. براساس این گزارش، با تلاش نیروهای امدادی و شماری از مردم با کنار زدن آوار بهمن، پیکر این کولبر با هویت «امین حسینی» با چهار فرزند اهل روستای درکی از توابع شهرستان سروآباد به دست آمد. هورامان منطقه ای در استان کردستان و کرمانشاه است.

گزارش: گزارش اجتماعی

سالانه ۲۰ هزار نفر

انسان، محیط و وسیله نقلیه
نقش کلیدی در مرگ ایرانیان دارند

هجدهم بهمن امسال یک اتوبوس در کرمان واژگون شد، مسافران این اتوبوس دختران دبیرستان تیزهوشان فرهیختگان کرمان بودند، آنها به یک اردوی تفریحی رفته بودند که در مسیر بازگشت اتوبوس شان واژگون شد، در این حادثه ۶ نفر جان خود را از دست دادند، ۴ نفرشان از دانش آموزان مدرسه بودند، ۲ نفر دیگر یکی از همراهان بود که با فرزند هفت ساله اش در اتوبوس حضور داشت، هر دوی آنها هم جان خودشان را از دست دادند. این حادثه ۳۵ مصدوم هم داشت که همگی از بیمارستان ترخیص شدند. در مراسم خاکسپاری دانش آموزان، وزیر آموزش و پرورش هم حضور داشت، مراسمی که با برخی حواشی همراه شد، حالا وزیر قول پیگیری داده است. مشابه این حوادث قبل تر هم اتفاق افتاده، از واژگونی اتوبوس سربازها گرفته تا اتوبوس خبرنگارانی که از بازدید دریاچه ارومیه برمی گشتند.

در این باره حمید سوری، رئیس سابق مرکز ارتقا ایمنی و پیشگیری از مصدومیت های دانشگاه شهید بهشتی می گوید: «این حادثه اولین و آخرین در کشور ما و بلکه در جهان نیست، اما آنچه ما را از بسیاری جوامع دیگر متفاوت می کند، بی تفاوتی نسبت به از دست دادن آن چیزی است که سرمایه اصلی این کشور است. عده کثیری از تیزهوشان مملکت از کشور رانده شدند و اینها هم که مانده اند باید زیر حجم چهل و خودخواهی کسانی پرپر شوند که سال ها باد کاشته اند و اکنون مردم باید شاهد همه توفان مخرب بر کشورشان و آتش بی رحم کج فکری بر جان عزیزان شان باشند. درک احساس غم عمیقی که بر نزدیکان این عزیزان پرکشیده کرمانی غالب است دشوار و برآورد رقم سرمایه از دست رفته کشور سخت است».

سوری با ارائه آمار مرگ و میر جاده ای می گوید: «می دانیم که در سوانح ترافیکی با ارفاق سالیانه حدود ۲۰ هزار کشته به کشورمان تحمیل می کند، سه عامل انسان، محیط و وسیله نقلیه نقش کلیدی دارند. گرچه مطالعات، مهم ترین عامل را خطای انسانی می داند، ولی با اهرم های فشار، سال ها سعی کردند سهم وسیله نقلیه را ناچیز و در حد ۵ درصد ادعا بکنند و هرچه با مستندات علمی بومی فریاد زدیم که این سهم نه ۵ درصد، بلکه حدود یک چهارم علت مرگ های سوانح ترافیکی است توجه نکردند تا برای ایمنی خودروها کاری بکنند. برنامه نوشتیم، نقشه راه تهیه و ارائه دادیم و التماس کردیم که لطفاً توجه کنید، ولی دریغ از یک جمله موثر از زبان مسئولان که اهمیت این موضوع کمتر از تکرار عبارات تکراری سیاسی مورد نفرت مردم نیست را بشنویم».

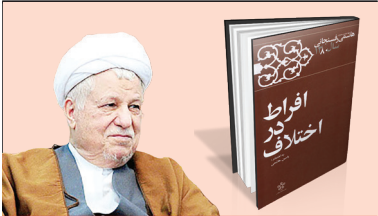
رئیس سابق مرکز ارتقا ایمنی و پیشگیری از مصدومیت های دانشگاه شهید بهشتی بیان می کند: «با رویکردی جامع می توان با اتکا به مستندات موثق ادعا کرد که تمامی این سه عامل یعنی انسان، محیط (راه) و وسیله نقلیه در ارتباط مستقیم با ناکارآمدی مدیریتی، خطاهای راهبردی حکمرانی و خطا در تشخیص اولویت های کشور است. از انتخابات ریاست جمهوری تا مجلس و شوراهای مختلف، کدام نماینده، پیشگیری از مرگ ۲۰ هزار انسان آن هم با میانگین سنی ۳۵ سال را در شعارهای انتخاباتی خود قرار داده است؟ در انتخاب حتی مدیران مرتبط با موضوع چقدر به جای ابراز نگرانی، کامل، به تخصص و تعهد و اندیشه آنان توجه داریم؟ رئیس کمیسیون عمران مجلس سال هاست یک پزشک عمومی است! در وزارت بهداشت کوچک ترین فضا و ساختار به دفتر پیشگیری از سوانح اختصاص یافته. سال هاست سهم بودجه های تحقیقاتی برای مطالعه درخصوص پیشگیری از سوانح ترافیکی به قدری اندک است که موجب شرمندگی بوده و قابل طرح نیست، در آموزش های دانشگاهی، به ویژه در رشته های علوم پزشکی در این خصوص هیچ واحد درسی وجود ندارد، سال هاست گفت وگو با وزارت آموزش و پرورش برای درج حتی یک صفحه برای این موضوع مهم به جایی نرسیده است و رسانه ملی برای آموزش همگانی مردم در پیشگیری از سوانح ترافیکی طلب هزینه های چند میلیاردی می کند». سوری می گوید: «کشوری مانند آلمان با جمعیتی مشابه کشور ما و تعداد خودرو موتوری بیش از دووینم برابر، حدود ۲۵۰۰ کشته سوانح ترافیکی، یعنی حدود یک دهم کشور دارد، پس سانه ترافیکی سرنوشت محتوم یک ملت نیست، غیرت و درایت مدیریت می خواهد که متأسفانه شیرینی ها و جاذبیت های مدیریتی در کشورمان، غیرت کنار رفتن و میز را به افراد قابل سپردن زائل کرده است».

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتناعی

مدیرهی‌ری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آربین‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

— کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰ —



افراط در اختلاف ۲۰۵

ادامه چهارشنبه ۷ آذر

شکایت فلسطینیان از شارون

کنفرانس بُن [در مورد تعیین سرنوشت افغانستان]، دومین روز را سپری کرد و گفته می‌شود با طرح سازمان ملل برای آینده افغانستان موافقت شده است. این طرح، سه مرحله اصولی دارد: ۱- تشکیل شورای عالی ۲- تشکیل دولت موقت ۳- تشکیل لوی جرگه و تعیین تکلیف نهایی. آمریکا به تدریج نیروهای نظامی‌اش در افغانستان را زیاد می‌کند و طالبان، مدعی کشتن ۱۶ نفر از آمریکایی‌ها در اطراف قندهار شد. آمریکا در پیامی به ایران از طریق سفارت سوئیس، خواسته است که ایران مانع بازگشت آقای [گلبدین] حکمتیار، [رهبر حزب اسلامی] به افغانستان شود. آقای [بیژن نامدار] زنگنه، [وزیر نفت]، رونوشت احضار مجدد ایشان به دادگاه را که تهدید به جلب در صورت عدم حضور شده است، ارسال کرده ولی امشب در اخبار سیما آمد که خبر احضار ایشان تکذیب می‌شود.

دادگاه بلژیک، پیگیری شکایت فلسطینیان از [آریل] شارون، [نخست‌وزیر اسرائیل] به خاطر کشتار صبرا و شتیلا را جدی گرفته است. جمعی از نمایندگان پارلمان هند، امروز به عنوان اعتراض به پرواز یک هلی کوپتر شناسایی آمریکا بر فراز صنایع هسته‌ای مدرس [در ایالات تامیل] هند، مجلس را ترک کردند.

خبر از استقرار ناوگان دریایی آمریکا در سواحل سومالی می‌رسد. آمریکا مدعی است، بخشی از نیروهای القاعده در سومالی هستند. سومالی هم مثل افغانستان، حکومت مرکزی مستقری ندارد. آمریکا رسماً اعلام کرده که اگر عراق بازرسان سازمان ملل را برای سلاح‌های کشتار جمعی نپذیرد مورد حمله نظامی قرار می‌گیرد و عراق، اولتیماتوم آمریکا را رد کرده و گفته است، در صورت لغو تحریم‌ها، بازرسان را می‌پذیرد و در عین حال شایعه آمادگی کردهای شمال عراق برای تصرف کرکوک و حوزهای نفتی آن مطرح شده است.

پنج‌شنبه ۸ آذر

اعلام کشته شدن جمعه‌خان نمنگانی

در خانه بودم. نم نم باران هم داشتیم. بیشتر وقت صرف مطالعه بولتن‌ها و اخبار شد. می‌گویند، در کنفرانس بُن، روی شورای ۱۵۰ نفری برای تعیین دولت موقت [افغانستان] پیشرفت بوده است. سازمان ملل روی حضور نیروهای بیگانه اصرار دارد که افغان‌ها نپذیرفته‌اند؛ گرچه نماینده حزب وحدت گفته با حضور نیروهای بین‌المللی موافق است.

حزب وحدت و [عبدالرشید] دوستم از داشتن فقط یک نماینده در کنفرانس ابراز عدم رضایت کرده‌اند. تقسیم افغانستان با مدیریت فدرالی هم کم‌کم مطرح می‌شود. کشته شدن جمعه‌خان نمنگانی، فرمانده نیروهای انقلابی آسیای میانه و مسئول عملیات ترور طالبان هم رسماً اعلام شده که باعث خُشودوی ازبکستان است.

مسأله قتل عام زندانیان غیرافغانی در قلعه‌جنگی، کم‌کم به عنوان جنایت جنگی مطرح می‌شود و احتمال ساختگی بودن شورش برای پیدا کردن بهانه قتل عام آنها جدی‌تر می‌شود. سفر [برهان‌الدین] ربانی، [رئیس‌جمهور دولت مجاهدین افغانستان] به امارات که با هدف ملاقات با [پرویز] مشرف، [رئیس‌جمهور پاکستان] انجام شده بود و عملاً ایسن ملاقات انجام نشده هم قابل‌توجه است.



نیره خادمی
گروه تاریخ

تحقیقاتی که در دهه ۹۰ میلادی از سوی کنت استار، سیاستمدار، مشاور مستقل و وکیل محبوب آن روزها در آمریکا درباره بیل کلینتون آغاز شده بود در سال پایانی این دهه به مرحله نهایی رسید و چهل‌ودومین رئیس‌جمهور آمریکا در دوازدهمین روز فوریه سال ۱۹۹۹ نهایتاً با یک رای بیشتر از استیضاح نمایندگان سنا، جان سالم به در برد. سازندگی به همین مناسبت در گزارشی به جزئیات تخلفات کلینتون، پیشینه و نحوه استیضاح رؤسای‌جمهور در آمریکا پرداخته است.

ابتدای تحقیقات کنت استار بر معاملات مالی کلینتون در سال‌های پیش از ریاست‌جمهوری استوار بود. اگرچه آن زمان مدارک کامل نبود اما بعدها اتهامات جنسی هم به اتهامات رئیس‌جمهور سابق آمریکا اضافه شد. در جریان آن پرونده مونیکا لوینسکی، کارآموز سابق کاخ سفید در شهادت خود از رابطه با او پرده برداشت اما کلینتون با شهادت خود آن را رد کرد. مرحله بعدی تحقیقات کنت استار از همان زمان آغاز شد و او بنا را بر این گذاشت که رئیس‌جمهور آمریکا

شهادت دروغ‌داده است تا در نهایت کلینتون اعتراف کرد که شهادت کارآموز کاخ سفید درباره رابطه جنسی درست بوده است. او با اعتراف به داشتن رابطه خارج از عرف با یکی از کارآموزان زن کاخ سفید به نام مونیکا لوینسکی در یک برنامه تلویزیونی از مردم آمریکا عذرخواهی کرده بود. بعد از این جریان، گزارش استار از اتهامات علیه کلینتون آماده و به کمیته قضایی مجلس نمایندگان ارائه شد. مجلس نمایندگان در آن دوران تحت تسلط جمهوری‌خواهان به‌عنوان جناح رقیب دموکرات‌ها بود بنابراین با ۲۲۸ رای مثبت طرح استیضاح تأیید شد. مجلس نمایندگان آمریکا، طرح استیضاح بیل کلینتون، چهل‌ودومین رئیس‌جمهور این کشور را نوزدهم دسامبر ۱۹۹۸ میلادی به اتهام شهادت دروغ در قفسه «پرونده لوینسکی» آغاز کرد. درباره کلینتون تلاش‌های زیادی برای رد استیضاح انجام شد اینکه مثلاً وکیل او با شرم‌آور خواندن رابطه خارج از عرف، آن را قابل استیضاح ندانست اما وکلای مجلس نمایندگان می‌گفتند که رئیس‌جمهور با این جرم، سزاوار برکناری است. در نهایت پس از آنکه در هیچ‌یک از دو ماه استیضاح کلینتون حد نصاب تعیین شده در قانون اساسی برای برکناری رئیس‌جمهور به دست نیامد، رئیس‌جمهور آمریکا تیرته شد. کلینتون بعد از این جریان دوران ریاست‌جمهوری خود را به پایان رساند و بعد شغل دیگری را در پیش گرفت.

یک خاطره

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم در کتاب «در جست‌وجوی مصلحت» به این ماجرا اشاره کرده است: «نکته جالب، رای چند عضو دموکرات به استیضاح بود

و نکته جالب دیگر، استعفای لیدر حزب جمهوری‌خواه در پارلمان بود که اعلان کرد او هم مثل کلینتون، آلوده به انحراف اخلاقی و داشتن روابط نامشروع است و حال که این مساله مورد توجه قرار گرفته، استعفا می‌دهد که الگویی برای رئیس‌جمهور و دیگران باشد. ضمن بحث‌ها مکرراً اظهار می‌شد که کدام‌یک از حضار، این آلودگی را ندارند؟ و چرا فقط یک نفر را مجازات کنیم و جواب می‌دادند که جرم مهم‌تر او، دروغ گفتن و جلوگیری از اجرای عدالت است، یا سوء استفاده از قدرت. پیشنهاد دموکرات‌ها



در مورد تنبیه یا توبیخ به جای استیضاح هم رای کافی نیاورد. در مجلس سنا، احتیاج به دوسوم آراست و اگر دموکرات‌ها مخالفت کنند، رای نخواهد آورد اما ممکن است بعضی از دموکرات‌های طرفدار ال‌گور، معاون کلینتون باشند و رای بدهند. [۳۰] [خانم هیلاری]، همسر کلینتون در جلسه حضور داشت، از شوهرش دفاع می‌کرد و از چند نفر دموکرات همگام با جمهوری‌خواهان، خواست که رای ندهند؛ اما نپذیرفتند. مساله مهم‌تر این است که یک ساعت پس از رای کنگره، اعلان شد که حملات نظامی علیه عراق پایان یافته است. روشن شد که ادعای مرتبط بودن جنگ با طرح استیضاح درست است و حتی گفته شد که هنگام اعلان توقف، هواپیماها در هوا بودند و عازم بمباران و معلوم شد که تصمیم به توقف جنگ هم عجولانه بوده است. شب در دفترم خوابیدم».

پیش از کلینتون

در کل تاریخ سیاسی آمریکا تنها یک رئیس‌جمهور، یعنی اندرو جانسون سابقه استیضاح از سوی نمایندگان مجلس را در کارنامه خود داشت. به دنبال ترور آبراهام لینکلن در آوریل ۱۸۶۵ معاون او یعنی اندرو جانسون به شکل ناگهانی به ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده رسید. جانسون براساس گزارش رسانه‌ها و یادداشت‌های تاریخی، یک نژادپرست ضدتجزیه بود. او در سال ۱۹۶۸ پس از برکنار کردن ادوین استانتون، وزیر جنگ وقت به ارتکاب جرائم سنگین و تخطی از قانون متهم شد. این کار تنش‌ها را دوچندان کرد و در نهایت به استیضاح او منجر شد اما او هم از این استیضاح، جان سالم به در برد و برکنار نشد اما این پرونده منجر شد تا

اختیارات شاخه‌های قانونگذاری و اجرایی در حکومت آمریکا از هم تفکیک شوند. ریچارد نیکسون هم که در ماجرای رسوایی واترگیت در معرض استیضاح نمایندگان بود به شکل داوطلبانه، استعفای خود را تقدیم کرد تا شرایط از آن بدتر نشود و مهر اخراج از کاخ سفید در پرونده‌اش بماند بنابراین این استیضاح هم نیمه‌کاره رها شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا هم در دوره اول ریاست‌جمهوری خود به دلیل سوء استفاده از قدرت در پرونده اوکراین گیت گرفتار شده. اوکراین گیت به ماجرای گفت‌وگوی تلفنی رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس‌جمهور اوکراین اشاره دارد که ترامپ از ولادمیر زلنسکی در مورد فعالیت‌های تجاری پسر جو بایدن، رقیب انتخاباتی او در ۲۰۲۰ تحقیق کرده و در مقابل به زلنسکی قول داده از بقای او در قدرت در اوکراین حمایت کند. همچنین ترامپ متهم بود که از تحقیقات کنگره در این باره ممانعت کرده. با توجه به اینکه اکثریت مجلس سنا در آن زمان هم جمهوری‌خواه بودند و آنسان باید رای به برکناری یا بقای ترامپ در قدرت می‌دادند بنابراین ترامپ تیرته شد و تا پایان دوره اول یعنی اواخر سال ۲۰۲۱ رئیس‌جمهور آمریکا باقی ماند. هفت‌ه قبل هم البته الکساندر گرین، نماینده دموکرات کنگره

آمریکا در جریان یکی از جلسات مجلس نمایندگان تمایل خود را برای آغاز روند استیضاح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور نشان داد. او ادعای ترامپ برای کنترل و مالکیت نوار غزه و تبدیل کردن آن به «ساحل مدیترانه» را «پاک‌سازی قومی» خواند و اضافه کرد که به دلیل اقدامات شنیع پیشنهادهای و کارهای شنیع صورت گرفته از سوی ترامپ، طرح استیضاح او آغاز شده است.

روند استیضاح در آمریکا

در صورتی که اعضای مجلس نمایندگان معتقد باشند که رئیس‌جمهوری، کاری را مرتکب شده است که در یکی از مقولات «خیانت، رشوه یا سایر جرائم و جنحه سنگین» قرار می‌گیرد، آنها می‌توانند تحقیق رسمی استیضاح را آغاز کنند. شروع استعمال رسمی یکی از اولین اقدامات در استیضاح را تشکیل می‌دهد و متشکل از قانونگذاران مجلس است که مدارک را جمع‌آوری، شاهدان را احضار و اطلاعات مربوط به رئیس‌جمهوری را بررسی می‌کند. پس از اتمام این مرحله، مجلس نمایندگان می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا موارد استیضاح را توصیه کنند یا خیر، یا اتهاماتی که به طور ویژه علیه رئیس‌جمهوری مطرح شده، صحت دارد یا خیر. کمیته قضایی مجلس به این اتهامات رای می‌دهد و اگر اتهامات به تصویب برسند، سنا می‌تواند در محکمه‌ای در مورد محکوم کردن یا تیرته رئیس‌جمهوری تصمیم بگیرد. برای محکوم کردن رئیس‌جمهوری و عزل او از سمت، دوسوم سنا یا ۶۷ نفر از آنها باید برای انجام این کار رای بدهند. نظرسنجی‌های انجام شده در افکار عمومی مردم آمریکا هم اهمیت دارد و می‌تواند در رای سنا اثرگذار باشد.

تقویم

اظهار بی‌اطلاعی از شکنجه‌ها

درباره رئیس سابق ساواک



نعمت‌الله نصیری، رئیس سابق ساواک که در ماه‌های آخر حکومت پهلوی بازداشت شده و در زندان پادگان جمشیدیه به سر می‌برد پس از تصرف این پادگان توسط مخالفان در روز یک‌شنبه ۲۲ بهمن ۵۷ به همراه برخی دیگر از سران لشکری و کشوری حکومت پهلوی به بازداشتگاه موقت ستاد انقلاب منتقل شد. خبرنگار روزنامه اطلاعات ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد ۲۳ بهمن در ستاد نخست‌وزیری دولت موقت با نصیری گفت‌وگو کرد. او درباره نحوه دستگیری خود گفت: «۴ ماه است در زندان هستم، امروز وقتی «جمشیدیه» به دست نیروهای انقلاب افتاد، آن‌ها مرا به اینجا آوردند. درست در حال عادی نیستم که بتوانم حرف بزنم.» نصیری از شکنجه‌های ساواک اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: «اگر دیگران کاری کرده‌اند، من بی‌اطلاع هستم. من آدمی هستم در اختیار شما، من کاری نکرده‌ام. می‌توانستم نیایم اینجا. من خودم آمدم، می‌توانستم فرار کنم.» در این لحظه آقای خلیل رضایی، پدري که ۴ فرزندش شهید شدند و از گروه چریکی مجاهدان خلق در حالی که به شدت عصبانی به نظر می‌رسید از نصیری پرسید «مگر بچه‌های من به تو چه کرده بودند که آن‌ها را کشتی؟ چرا این همه شکنجه به آن‌ها دادی؟ چرا تمام ناخن‌های آن‌ها را با گازانبر کشیدی؟ چرا؟ او باز هم نسبت به تمام این اتفاقات اظهار بی‌اطلاعی کرد. بعد حجت‌الاسلام لاهوتی یکی از روحانیونی که در اتاق حاضر بود، پرسید: مگر تو خودت نبودی که مرا در زندان ساواک کتک زدی و بخصوص چند بار محکم به گوشم کوبیدی؟ اما نصیری در جواب این موضوع را تکذیب کرد و گفت: من نبودم، کمیته ساواک مربوط به من نبود. یک گروه مستقل بود از ساواک، شهربانی، ارتش و ژاندارمری. پرویز ثابئی، مسئول امنیت داخل کشور بودند و معاون من نبودند. شنیدم در تهران نیستند. سوال بعدی درباره خرج ماهانه ساواک بود اما رئیس سابق ساواک باز هم مانند دیگر سوالات، پاسخ شفافی به آن نداد: «پرونده‌هایش هست، فعلا خاطرم نیست. من سرپرست کل سازمان بودم و بیشتر کارهای اداری، فنی و تأمین احتیاجات اداری با من بود.» طبق گفته‌هایی که آن روز رد و بدل شد، نصیری در هفته دو بار با شاه ملاقات می‌کرد اما تماس تلفنی میان این دو نفر مرتب نبود و هر از گاهی برقرار می‌شد. یک همسر و دو فرزند داشت و از زمان بازداشت از حال آنها بی‌خبر بود. ماهانه ۱۲ هزار تومان حقوق می‌گرفت، حدود ۱۲ هزار توان مزایا داشت و چند قطعه ملک داشت که بنیاد پهلوی به او داده بود. خبرنگار از او پرسید: در این تماس‌ها چه دستوراتی می‌گرفتید؟ و متهم پاسخ داد که هیچ چیزی به خاطر ندارد و از گذشته خود هم اظهار پشیمانی نکرد: «من یک‌سری وظایف قانونی داشتم. من طبق قانونی که تصویب شده بود و وظیفه‌ای که هیات دولت آن را تصویب کرده بود، عمل می‌کردم.» نصیری در پاسخ به این سوال که «آیا رئیس زندان، بازرس‌ها و مأموران بازجو، گزارش کارهای‌شان را به شما نمی‌دادند که شما از چگونگی شکنجه‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنید؟» گفت: می‌دادند ولی در آن چیزی از شکنجه نمی‌نوشتند. من علم غیب ندارم یک سال‌ونیم پیش من به دستور اعلیحضرت رفته و سری به زندان‌ها زدم ولی چیزی ندیدم. من صادقانه حرف می‌زنم.» او تعداد مأموران رسمی ساواک را ۲ هزار نفر اعلام کرد و گفت که درباره مرگ مرحوم دکتر علی شریعتی و مرحوم تخته می هیچ چیزی نمی‌داند. نصیری از بهمن سال ۱۳۴۳ تا خرداد سال ۵۷ رییس ساواک بود. از شهریور همان سال روانه زندان اوین شد و در نهایت ۴ روز پس از انقلاب با حکم خلخالی در پشت‌بام مدرسه رفاه اعدام شد.